

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصلاحات دوره پیشرفته حقوق جزا

عمومی و اختصاصی



اصلاحات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

- ماده ۲:** پاورقی در مورد افترای عملی؛ در عبارت "مثلاً جاسازی مواد مخدر" مواد مخدر، به مشروبات الکلی تغییر کرد.
- ماده ۱۰:** زیر نویس شماره (۶) مجازات ترک انفاق در حال حاضر سه ماه تا یک سال می باشد که در کتاب شش ماه تا دو سال آمده است.
- ماده ۱۹:** زیر نویس شماره (۱) میزان حبس و جزای نقدی اصلاح شد.
- ماده ۴۶:** زیرنویس ۷/۸ ابتدای مطلب، عبارت در قرار تعلیق تعقیب، به تعلیق مجازات تغییر نموده است.
- ماده ۵۷:** زیرنویس شماره (۶) تکرار قبلی است و در چاپ جدید، حذف شده است.
- ماده ۱۱۸:** رأی وحدت رویه شماره ۸۱۳ به عنوان نکته جدید اضافه شده است.
- ماده ۱۲۵:** رأی وحدت رویه شماره ۷۹۹ و نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۲۸ - ۱۴۰۰/۵/۲۰ به عنوان مطلب جدید اضافه شده اند. (زیرنویس شماره ۸)
- ماده ۱۵۸:** شرایط سقط جنین درمانی تغییر کرده و بنابراین زیرنویس شماره ۶/۲ با توجه به ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ منسوخ شده است. (این طرح به طور مستقل ذکر شده است.)
- مواد ۲۱۲ و ۲۱۳:** که در بعضی چاپ های قدیم، قید نشده بود، که در حال حاضر این مشکل برطرف شده است.
- ماده ۵۲۶:** نکات ذیل مواد ۵۲۶، ۵۲۸ و ۵۳۳ با نگارشی جدید تغییر نموده است.
- ماده ۵۵۱:** به زیرنویس شماره (۱) دو نظریه مشورتی در خصوص خسارت مازاد بر دیه اضافه شده است.

اصلاحات قانون تعزیرات ۱۳۷۵

- ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات:** یک نظریه مشورتی جدید (شماره ۷/۱۴۰۰/۶۶۶ - ۱۴۰۰/۶/۷ به عنوان زیر نویس شماره ۷ به کتاب اضافه شده است.)
- ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات:** زیرنویس شماره (۱) بدین شرح، اصلاح شده است ۲/۱۰ قاتل، مسلمان و مقتول، غیرمسلمان باشد. ۳/۱ مقتول، مجنون باشد.
- ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات:** زیرنویس شماره (۲) خط سوم در عبارت "سایر افراد نظیر برادر، پدر و..." پدر، حذف شود.
- ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات:** زیرنویس شماره (۱) خط آخر؛ به سه ماه و یک روز تا یک سال، تقلیل یافته است.
- ماده ۶۷۷ قانون تعزیرات:** زیرنویس شماره (۲) این عبارت به آن اضافه شده است. "بدین ترتیب اگر مبلغ مال تخریب شده ده میلیون تومان یا کمتر باشد، پرونده مستقیماً به دادگاه می رود و لذا بحث کیفرخواست در آن منتفی است اما اگر بیش از مبلغ مزبور باشد، با توجه به مجازات جرم (حبس درجه شش) پرونده ابتدا به دادسرا فرستاده می شود."

اصلاحات قوانین خاص

- ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری:** شماره ۱۲/۲ متن "قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷" اضافه شده است.
- ماده ۲ قانون تشدید:** زیرنویس شماره (۱) با نگارشی جدید تغییر نموده است.
- ماده ۳ قانون تشدید:** زیرنویس شماره ۸/۱ درخصوص ضبط مال و شماره ۸/۳ در خصوص جزای نقدی، جدید اضافه شده است.
- ماده ۵ قانون تشدید:** زیرنویس شماره (۱) با نگارشی جدید تغییر نموده است.

ماده ۵ قانون تشدید: زیرنویس شماره (۸) خط دوم "دادگاه" به "دادگاه کیفری یک" تغییر یافته است. (شماره ۱۰ فعلی)

قانون مبارزه با پولشویی: بند (الف) مطلب نهم، "علم قریب به ظن" به "ظن قریب به علم" تغییر یافته است.

قانون مبارزه با پولشویی: بند (ب) مطلب پنجم، خط هشتم، انتهای خط به عبارت "مجازات حبس را تا سه درجه تقلیل دهد." این عبارت اضافه شده است "مگر آنکه درجه چهار باشد که تقلیل تا دو درجه یا تبدیل به جزای نقدی امکان پذیر است."

قانون صدور چک: جمله بندی پاراگراف ابتدایی تغییر کرده است.

قانون صدور چک: بند (ب)، در پاورقی مربوط به مطلب ششم، رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲ اضافه شده است.

قانون صدور چک: بند (ب) مطلب هشتم، شماره (۱) در خصوص اخذ دسته چک غیرمتناسب، مطلب جدید اضافه شده است.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: ذیل ماده ۲۲ دادگاه "انقلاب" به "کیفری دو" تغییر کرده است.

قانون مبارزه با مواد مخدر: آخرین مطلب، رأی وحدت رویه جدیدی در خصوص تفسیر کلمه "ارسال" اضافه شده است.

پیج اینستاگرام دکتر بهداد کامفر: @dr.behdad.kamfar - @behdad.kamfar

پیج اینستاگرام موسسه آموزش عالی آزاد پژوهش: pazhouhesh_law

آدرس سایت: www.pazhouhesh.com

آنکه، در جرایم به عادت، هر دو جزء، لزوماً از جانب یک نفر، ارتکاب می‌یابد، اما در جرایم مرکب، ممکن است جزء اول را یک نفر و جزء دوم را شخص دیگری، انجام دهد. لازم به توضیح است، در بعضی جرایم، عنصر تکرار، شرط تشدید مجازات است و نه شرط تحقق جرم. برای مثال جرم معامله اموال مسروقه یک جرم ساده به شمار می‌رود و در همان مرتبه اول محقق می‌شود اما تکرار جرم موجب تشدید مجازات آن خواهد شد، مطابق م ۶۶۲ قانون تعزیرات: «در صورتیکه متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.»

تقسیم جرایم به ساده، مرکب و به عادت، از چند جنبه دارای اهمیت است:

الف) مرور زمان: مبدأ مرور زمان در جرایم ساده از لحظه ی ارتکاب جرم است اما در جرایم مرکب، از تاریخ وقوع جزء تامه جرم است (مثلاً در کلاهبرداری از زمان تحصیل مال دیگری است.) در جرایم به عادت نیز مبدأ مرور زمان از تاریخ تحقق وصف عادت یعنی مرتبه ی دوم می باشد.

ب) تعیین قانون حاکم: قانون حاکم در رسیدگی به جرایم ساده، قانون زمان ارتکاب جرم است و در صورتی که بعداً قانون جدیدی به تصویب برسد، قابل تسری به آن جرم نیست مگر آنکه از جهاتی به نفع متهم باشد اما در جرایم مرکب و به عادت، اگر آخرین جزء جرم در زمان حکومت قانون جدید ارتکاب یابد همین قانون حاکم است ولو آنکه شدیدتر از قانون قبلی باشد.

پ) دادگاه صالح: در جرایم ساده، دادگاهی که جرم در حوزه ی آن به وقوع پیوسته، صالح به رسیدگی است اما در جرایم مرکب، رسیدگی برعهده دادگاه حوزه‌ای است که آخرین جزء جرم در آن ارتکاب یافته است. مثلاً اگر شخصی برای نخستین بار در تهران، اقدام به تكدی گری نموده و برای بار دوم در مشهد، مرتکب این عمل شده باشد، دادگاه کیفری مشهد، صالح به رسیدگی خواهد بود، البته به عقیده برخی در جرایم مرکب دادگاه هریک از حوزه هایی که بخشی از جرم در آن اتفاق افتاده است، دارای حق رسیدگی است.

۶/۳ جرایم مطلق و مقید: نتیجه، بخشی از عنصر مادی جرم به شمار می‌رود و تحقق بسیاری از جرایم، مستلزم تحقق نتیجه ای خاص است. برای مثال در جرم قتل عمدی، تا زمانی که مجنی علیه فوت نکرده باشد، این جرم محقق نشده است. بر همین اساس، جرایم به دو دسته "مطلق و مقید" تقسیم می‌شوند: جرم مطلق، جرمی است که تحقق آن، مستلزم نتیجه خاصی نیست، مثلاً در جرم ارتشا، اگر کارمند دولت، چکی را به عنوان رشوه قبول کند، اما به دلایلی نظیر خالی بودن حساب، قادر به وصول آن نشود، جرم مزبور محقق شده است، یا در جرم شهادت دروغ به صرف ادای شهادت کذب، این جرم تحقق می‌یابد حتی اگر قاضی بر مبنای آن رأی صادر نکند. قاچاق، جعل، توهین، نشر اکاذیب، افترای لفظی^۱ همگی در زمره جرایم مطلق به شمار می‌روند که نیازمند نتیجه خاصی نیستند. اما جرم مقید، جرمی است که تحقق آن در گرو نتیجه ای خاص می باشد؛ مثلاً در جرم صدور چک پرداخت نشدنی، شرط تحقق جرم، صدور گواهی عدم پرداخت است و به صرف صدور چک — ولو از حساب مسدود — نمی‌توان صادرکننده را تحت تعقیب قرار داد یا در محاربه، شرط تحقق جرم، ترسیدن حداقل یک نفر است و اگر علیرغم کشیدن سلاح، هیچ کس از رفتار مرتکب هراسان نشود، نمی‌توان وی را محارب دانست. افساد فی الارض نیز همچون محاربه در زمره جرایم مقید است و اقدامات مرتکب باید منتهی به یکی از نتایج مندرج در م ۲۸۶ ق.م.ا (مانند اخلاص شدید در نظم عمومی

۱- افترای عملی بر خلاف افترای لفظی، از جرایم مقید است و با توجه به م ۶۹۹ قانون تعزیرات، رفتار مرتکب (مثلاً قرار دادن مشروبات الکلی در خودروی دیگری) باید منتهی به تعقیب آن شخص، شود.

۵- مطابق م ۲ قانون مدنی قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا می شوند، بنابراین در فرضی که قانون خفیف تری به تصویب رسیده ولیکن پیش از لازم الاجرا شدن آن، جرمی ارتکاب یابد، تا زمان لازم الاجرا شدن قانون به آن جرم بر مبنای همان قانون قبلی - نه قانون خفیف تر - رسیدگی خواهد شد. دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای خود متعرض همین مطلب شده است؛ مطابق دادنامه ی شماره ۱۷۰۱/۳۳ : "... اگر راننده پس از تصویب قانون و قبل از انتشار در مجله رسمی مرتکب قتل غیر عمد شود برابر قانون سابق باید مجازات شود و تعیین مجازات درباره وی برابر قانون متأخر موجب نقض دادنامه است".^۱

۶- در جرایم مستمر تا زمانی که رفتار مرتکب قطع نشده باشد، جرم در حال ادامه یافتن است، بنابراین چنانچه جرم مستمر در زمان حکومت قانون سابق شروع شده و در زمان حکومت قانون جدید نیز ادامه پیدا کرده باشد، به آن جرم بر مبنای قانون لاحق رسیدگی خواهد شد، ولو آنکه شدیدتر از قانون قبلی باشد. برای مثال با توجه به ۵۳م قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ مجازات جرم ترک انفاق از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس (مقرر در ۶۴۲م قانون تعزیرات) به سه ماه تا یک سال افزایش یافته است، حال اگر مردی از سال ۱۳۹۰ تاکنون نفقه همسر خود را نپرداخته باشد، مجازات او بر مبنای م ۵۳ قانون حمایت خانواده تعیین خواهد شد.

۷- در جرایم به عادت و مرکب، با توجه به آنکه این جرایم دارای حداقل دو جزء هستند، چنانچه جزء تامه ی جرم در زمان حکومت قانون جدید اتفاق افتاده باشد، رسیدگی به آن بر مبنای قانون لاحق انجام می گیرد، ولو آنکه شدیدتر از قانون سابق باشد. برای مثال تکدی گری در زمره جرایم به عادت به شمار می رود و شرط تحقق آن تکرار این رفتار برای حداقل دو مرتبه است، حال اگر شخصی در زمان حکومت قانون سابق یک بار این رفتار را انجام داده و در زمان حکومت قانون جدید برای مرتبه دوم دست به چنین رفتاری زده باشد، به جرم او تحت هر شرایطی بر مبنای قانون لاحق رسیدگی خواهد شد.

۸- ارتکاب جرم برای دفعات متعدد، نمایانگر حالت خطرناک مرتکب و تمایل او به ارتکاب مجدد جرم است و طبیعتاً واکنش قانون گذار نسبت به این افراد سخت تر از کسانی است که تنها برای یک مرتکب جرم شده اند، حال اگر شخصی یک مرتبه در زمان حکومت قانون سابق و برای بار دیگر در زمان حکومت قانون جدید دست به ارتکاب جرم زده باشد، تشدید مجازات وی در هر صورت بر مبنای قانون لاحق انجام می گیرد، ولو آنکه در تشدید مجازات ترتیب، سخت گیرانه تر باشد.^۲ برای مثال تشدید مجازات در بحث عدد و تکرار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، اختیاری بود اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جنبه الزامی پیدا کرده است، حال اگر شخصی در سال ۱۳۹۱ مرتکب دو فقره سرقت و در سال ۱۳۹۳ مرتکب دو فقره کلاهبرداری شده باشد، دادگاه مکلف است بر مبنای قانون جدید، مجازات مرتکب را تشدید نموده و حکم به حداکثر مجازات قانونی صادر نماید.

ماده ۱۱- قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت

۱- به نقل از محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۵۸

۲- مرل و ویتو، رساله حقوق جنایی، ص ۲۸۰

- حبس تا سه ماه

- جزای نقدی تا سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

- شلاق تا ده ضربه

تبصره ۱- موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازاتهای تبعی ذکر شده است.
تبصره ۲- مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می شود.

تبصره ۳- در صورت تعدد مجازاتها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای هشتگانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می شود.

تبصره ۴- مقررات این ماده و تبصره های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تأثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازاتهای مقرر در قوانین جاری ندارد.

تبصره ۵- ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می شود باید هزینه های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.

تبصره ۶- تمام حبس های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می شود. (الحاقی به موجب ماده ۳ کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

۱- درجه بندی مجازات های تعزیری برای نخستین بار در «قانون مبارزه با قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰» مورد پیش بینی قرار گرفت، اما قانون گذار در ماده فوق این امر را به کلیه جرایم تعزیری، تعمیم داده است. مطابق این ماده، مجازات های تعزیری به هشت درجه و به شرح زیر، تقسیم می شوند که تعزیر درجه یک، شدیدترین و تعزیر درجه هشت، خفیف ترین آن به شمار می رود.

۱/۱ جزای نقدی (هشت درجه)

درجه یک: بیش از دویست و هشتاد میلیون تومان

درجه دو: بیش از صد و پنجاه تا دویست و هشتاد میلیون تومان

درجه سه: بیش از صد تا صد و پنجاه میلیون تومان

درجه چهار: بیش از پنجاه تا صد میلیون تومان

درجه پنج: بیش از بیست و چهار تا پنجاه میلیون تومان

درجه شش: بیش از شش تا بیست و چهار میلیون تومان

درجه هفت: بیش از سه تا شش میلیون تومان

درجه هشت: تا سه میلیون تومان

۱/۲ حبس (هشت درجه)

درجه یک: بیش از بیست و پنج سال

درجه دو: بیش از پانزده تا بیست و پنج سال

درجه سه: بیش از ده تا پانزده سال

درجه چهار: بیش از پنج تا ده سال

درجه پنج: بیش از دو تا پنج سال

درجه شش: بیش از شش تا بیست و چهار میلیون تومان
 درجه هفت: بیش از سه تا شش میلیون تومان
 درجه هشت: تا سه میلیون تومان
 ۱/۲ حبس (هشت درجه)
 درجه یک: بیش از بیست و پنج سال
 درجه دو: بیش از پانزده تا بیست و پنج سال
 درجه سه: بیش از ده تا پانزده سال
 درجه چهار: بیش از پنج تا ده سال
 درجه پنج: بیش از دو تا پنج سال

۳۷

دوره مشترک حقوق جزا عمومی و اختصاصی

درجه شش: بیش از شش ماه تا دو سال
 درجه هفت: بیش از سه تا شش ماه
 درجه هشت: تا سه ماه (سه ماه و کمتر)
 ۱/۲ شلاق (سه درجه)

درجه شش: سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه (تا نود و نه ضربه در جرایم منافی عفت)
 درجه هفت: پانزده تا سی ضربه
 درجه هشت: تا ده ضربه
 ۱/۴ محرومیت از حقوق اجتماعی (سه درجه)
 درجه پنج: بیش از پنج تا پانزده سال
 درجه شش: بیش از شش ماه تا پنج سال
 درجه هفت: تا شش ماه
 ۱/۵ یک درجه ای ها
 مصادره کل اموال: درجه یک
 انفصال دائم: درجه چهار
 انتشار حکم محکومیت: درجه شش

۲- تعزیراتی که در م.ا.ق.۱۹۹۰م سختی از آنها به میان نیامده است، درجه هفت محسوب می‌شوند و بر همین اساس، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ - ۱۳۹۶/۲/۲۰ جزای نقدی نسبی را از تعزیرات درجه هفت دانسته است، زیرا در ماده ۱۹۹ق.م.ا تنها به جزای نقدی ثابت - نه جزای نقدی نسبی - اشاره شده است. منظور از جزای نقدی نسبی مجازاتی است که مبلغ آن از پیش مشخص نشده و قانون گذار با استفاده از القاطنی نظیر معادل ارزش مال تحصیل شده، چند برابر ارزش وجوه حاصل از جرم و ... به بیان آن پرداخته است. برای مثال مطابق م ۱۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ یکی از مجازاتهای جرم کلاهبرداری، جزای نقدی معادل مال تحصیل شده است و برای آن جزای نقدی ثابتی مشخص نشده است. (برای مثال اگر مبلغ کلاهبرداری صد میلیون تومان بوده باشد، مبلغ جزای نقدی نیز صد میلیون تومان و اگر مبلغ کلاهبرداری یک میلیارد تومان بوده باشد، میزان جزای نقدی یک میلیارد تومان خواهد بود). ناگفته نماند، حتی در مواردی که مبلغ جزای نقدی نسبی از صد میلیون تومان هم بیشتر باشد، باز هم درجه هفت محسوب می‌شود.

۳- مصادره بخشی از اموال از دیگر مجازاتهایی است که در م.ا.ق.۱۹۹۰م به آنها اشاره نشده و بنابراین درجه هفت محسوب می‌شود.^۱

۱- با توجه به آنکه در ماده فوق سخنی از اعدام تعزیری به میان نیامده است، به نظر می‌رسد که این مجازات از قوانین موضوعه ایران حذف شده یا دست کم، قانون گذار دیگر تمایزی به پیش بینی دوباره این مجازات در قوانین بعدی ندارد. همچنین در مورد مرتکبین جرایم مواد مخدر نیز در م.۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر انتقالی ۱۳۹۶ اعدام را برخلاف گذشته، نه به عنوان مجازات تعزیری، بلکه از باب حد نقض فی الارضی مورد پذیرش قرار داده است. نکته جالب آنکه برخی با توجه به عدم تصریح مجازات اعدام در م.ا.ق.۱۹۹۰م آن را درجه هفت محسوب می‌کنند، بدین حتی اگر قائل به وجود اعدام تعزیری در قوانین موضوعه کنونی باشیم، نهایتاً باید این موارد را به قوانین خاصی که پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پیش بینی قرار گرفته اند، محدود نمود. (برای مثال نک به بند (۱) ماده واحده قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسائل و تأسیسات هواپیمایی ۱۳۹۹ یا م ۱۶ قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران ۱۳۳۴).

۳۸

دوره مشترک حقوق جزا عمومی و اختصاصی

۴- در رابطه با انفصال موقت باید خاطرنشان ساخت که به عقیده برخی مجازات مذکور به دلیل عدم تصریح در م.ا.ق.۱۹۹۰م درجه هفت محسوب می‌شود، اما این نظر مردود است چرا که انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی، یک از مصادره، حقیقه، اجتماع، عقد، قائم، مده و با توجه به م.ا.ق.۱۹۹۰م حسب مورد، درجه پنج تا

فارغ از تفاوت مهمی که در رابطه با قرارهای تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات به آن اشاره شد، میان این دو قرار، از جهات دیگری هم تفاوت وجود دارد:

۷/۱ نوع جرایم: قرار تعلیق تعقیب در جرایم تعزیری درجه شش تا هشت و قرار تعلیق اجرای مجازات در جرایم درجه سه تا هشت صادر می‌شود.

۷/۲ مدت تعلیق: مدت قرار تعلیق تعقیب شش ماه تا دو سال و مدت قرار تعلیق اجرای مجازات یک تا پنج سال است، در رابطه با تغییر مدت تعلیق تعقیب حکمی در قانون پیش بینی نشده است اما در مورد تعلیق مجازات، در صورت تخطی از دستورات دادگاه برای مرتبه نخست، می‌توان برای یک تا دو سال به مدت آن اضافه کرد. مدت تعلیق مجازات قابل کاهش هم هست.

۷/۳ مرجع صدور: قرار تعلیق اجرای مجازات لزوماً از سوی قاضی دادگاه صادر می‌شود، اما قرار تعلیق تعقیب، حسب مورد از سوی دادستان یا قاضی دادگاه صادر می‌شود؛ یعنی در جرایم درجه شش که در دادسرا مطرح می‌شود، دادستان و در جرایم درجه هفت و هشت که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شوند، قاضی دادگاه اقدام به صدور آن می‌نماید.

۷/۴ قابلیت اعتراض: قرار تعلیق اجرای مجازات، قطعی و غیر قابل اعتراض و قرار تعلیق تعقیب ظرف ده روز قابل اعتراض در مرجع صالح است؛ منظور از مرجع صالح در مواردی که دادستان این قرار را صادر می‌کند، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد و در مواردی که دادگاه آن را صادر می‌کند، دادگاه تجدیدنظر استان است.

۷/۵ اخذ تأمین کیفری: در قرار تعلیق مجازات، بحث تأمین کیفری منتفی است اما در قرار تعلیق تعقیب در صورت ضرورت، مقام قضایی اقدام به صدور قرار تأمین کیفری متناسب می‌نماید.

۷/۶ دستورات مراقبتی: قرار تعلیق اجرای مجازات حسب مورد به طور ساده یا مراقبتی صادر می‌شود، که نوع مراقبتی آن، توأم با یک یا چند مورد از دستورات مقرر در قانون است و در تعلیق ساده، مرتکب بی قید و شرط آزاد می‌شود اما قرار تعلیق تعقیب لزوماً همراه با یک یا چند مورد از دستورات مقرر در ۸۱ ق.آ.د.ک است. از دیگر تفاوت‌های قرار تعلیق اجرای مجازات با تعلیق تعقیب، آنست که در تعلیق مجازات در صورت استنکاف از اجرای دستورات دادگاه، در مرتبه نخست، قرار لغو یا به مدت آن اضافه می‌شود اما در تعلیق تعقیب، بحث افزایش مدت منتفی است و در صورت استنکاف متهم از اجرای دستورات مقام قضایی، قرار در همان مرتبه نخست، لغو می‌شود.

۷/۷ ارتکاب جرم: در قرار تعلیق مجازات ارتکاب جرایم مستوجب حد، قصاص و تعزیرات عمدی درجه یک تا هفت موجب لغو قرار می‌شود اما در تعلیق تعقیب ارتکاب جرایم مستوجب حد، قصاص و تعزیرات درجه یک تا هفت اعم از عمدی و غیرعمدی موجب لغو قرار خواهد شد.^۱

۷/۸ موافقت متهم: صدور قرار تعلیق تعقیب مستلزم اخذ موافقت متهم است و در صورتی که متهم با صدور این قرار موافق نباشد، نمی‌توان تعقیب او را معلق ساخت اما قرار تعلیق اجرای مجازات نیازمند موافقت مرتکب نیست و دادگاه بنا به صلاحدید خود، مجازات مرتکب را معلق می‌نماید.

۱. البته به عقیده برخی، برخلاف ظاهر م ۸۱ ق.آ.د.ک ارتکاب جرایم غیرعمدی تأثیری در لغو قرار تعلیق تعقیب نخواهد داشت که این نظر با نفع متهم همخوانی بیشتری دارد.

بخواهد حین اجرای مجازات چنین تصمیمی را اتخاذ کند، مستلزم پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام است.^۱

۳- با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱-۱۳۹۲/۸/۲۸ صدور حکم نیمه آزادی در هر حال با دادگاه صادرکننده حکم قطعی است، بنابراین در صورتی که حکم محکومیت به جهت عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده، صدور حکم نیمه آزادی از سوی دادگاه بدوی و در مواردی که در دادگاه تجدیدنظر، قطعی شده باشد، با دادگاه تجدیدنظر استان است.

۴- با توجه به قسمت اخیر م ۹۰ ق.م.ا به نظر می‌رسد، امکان صدور حکم نیمه‌آزادی در مورد اطفال و نوجوانانی که به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شده اند، وجود داشته باشد؛ مطابق این ماده: «این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.» البته قانون‌گذار در تبصره ۲ م ۸۹ ق.م.ا در مورد نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال، افزون بر نظام نیمه‌آزادی، نهادی مشابه «حبس پایان هفته‌ای» در حقوق فرانسه را نیز مورد پیش قرار داده است که به موجب آن نوجوان طول هفته را در خارج از محیط کانون اصلاح و تربیت سپری می‌کند و برای دو روز آخر هفته به کانون باز می‌گردد، البته همان‌گونه که بیان شد تبصره ۲ م ۸۹ ق.م.ا مختص افراد ۱۵ تا ۱۸ سال است و در مورد افراد ۱۲ تا ۱۵ سال که به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شوند، تنها می‌توان از نظام نیمه‌آزادی استفاده نمود.

۵- تا پیش از اصلاحات سال ۱۳۹۹ صدور حکم نیمه آزادی صرفاً در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت مکان پذیر بود و لیکن در حال حاضر با توجه به سیاست جنایی کاهش جمعیت زندان‌ها، دایره شمول جرایمی که امکان صدور حکم نیمه آزادی در آن‌ها وجود دارد، افزایش یافته و در کلیه حبس‌های تعزیری به استثنای حبس درجه یک و هشت) امکان تعیین چنین حکمی وجود دارد، البته تفاوت مهمی که در این زمینه میان حبس درجه دو تا چهار با حبس‌های درجه پنج تا هفت وجود دارد، آنست که در گروه نخست حبس‌های درجه ۲، ۳ و ۴) استفاده از نظام نیمه آزادی منوط به سپری شدن یک چهارم از ایام حبس است، ما در گروه دوم (حبس‌های درجه ۵، ۶ و ۷) دادگاه می‌تواند نسبت به تمام مدت حبس، بدون نیازی به سپری شدن قسمتی از آن، حکم نیمه آزادی صادر نماید.

۶- از سیاق کلام قانون‌گذار در ماده فوق، چنین برمی‌آید که ملاک در صدور حکم نیمه آزادی، مجازات قضایی است نه مجازات قانونی، وگرنه به جای عبارت «حبس‌های تعزیری درجه ...» به «جرایم تعزیری درجه ...» اشاره می‌نمود. بدین ترتیب در فرضی که دادگاه در یک جرم تعزیری درجه یک با رعایت کیفیات مخفقه، حکم به حبس تعزیری درجه دو داده باشد، می‌توان با رعایت سایر شرایط قانونی، از نظام نیمه آزادی بهره‌مند شد.^۲

۱- مطابق ۵۵۳ ق.ا.د.ک: «در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند.»

۲- برای دیدن نظر موافق نک به مصنف، محمد، همان، ص ۱۶۷

شرکای در جرم، سه نفر باشند، مجنی^۸ علیه یا اولیای دم، از هریک از آنان تنها می‌تواند یک سوم دیه کامل را دریافت کند.

۸- در خصوص مسئولیت شرکای جرم در رد مال با توجه به استثنایی بودن مسئولیت تضامنی باید مسئولیت هر یک را در رد مال مثل یا قیمت بر اساس تاثیرشان در ارتکاب جرم تعیین نمود و چنانچه میزان تاثیر، نامعلوم باشد باید با استناد به اصل تساوی آنان را متساویا مسئول دانست. هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز در رای وحدت رویه شماره ۷۹۹-۱۳۹۹/۷/۱۵ به بیان همین مطلب پرداخته است: «در موارد شرکت در سرقت، مسئولیت هر یک از سارقان در رد مال به میزان مالی است که تحصیل کرده است و دادگاه در اجرای ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حدود مسئولیت هر یک از سارقان را بر همین اساس مشخص می‌کند و اگر میزان مال تحصیل شده توسط هر یک از سارقان معلوم نباشد، با توجه به اصل تساوی مسئولیت که از جمله در مواد ۴۵۳، ۵۲۶ و ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است، مسئولیت سارقان در رد مال مسروقه به طور مساوی است.» البته ناگفته نماند این مطلب ناظر بر ضمان مالی است وگرنه در مورد جزای نقدی هریک از شرکا به طور جداگانه به مجازات مندرج در قانون محکوم می‌شوند البته حکم مندرج در ماده ۶۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ استثنایی بر این اصل است، چرا که به موجب ماده مزبور در صورتی که کالا یا ارز قاچاق از بین رفته باشد بهای جزای نقدی به نسبت مالکیت دریافت می‌شود. و اگر سهم مالکیت شرکا نا معلوم باشد با استناد به اصل تساوی آنان را متساویا به پرداخت جزای نقدی محکوم می‌سازیم. (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۲۲۸ - ۱۴۰۰/۵/۲۰)

ماده ۵۶- سقط جنین ممنوع بوده و از جرایم دارای جنبه عمومی می‌باشد و مطابق مواد (۷۱۶) تا (۷۲۰) قانون مجازات اسلامی و مواد این قانون، مستوجب مجازات دیه، حبس و ابطال پروانه پزشکی است.

مادر صرفاً در مواردی که احتمال بدهد شرایط زیر محقق می‌شود، می‌تواند درخواست سقط جنین را به مراکز پزشکی قانونی تقدیم نماید.

کلیه مراکز پزشکی قانونی در مراکز استان‌ها مکلفند درخواست‌های واصله را فوراً به کمیسیون سقط قانونی ارجاع نمایند. این کمیسیون مرکب از یک قاضی ویژه، یک پزشک متخصص متعهد و یک متخصص پزشک قانونی در استخدام سازمان پزشکی قانونی، حداکثر ظرف یک هفته تشکیل می‌شود. رأی لازم توسط قاضی عضو کمیسیون با رعایت اصل عدم جواز سقط در موارد تردید صادر می‌گردد.

قاضی عضو در کمیسیون مذکور با حصول اطمینان نسبت به یکی از موارد ذیل مجوز سقط قانونی را با اعتبار حداکثر پانزده روزه صادر می‌نماید:

الف- در صورتی که جان مادر به شکل جدی در خطر باشد و راه نجات مادر منحصر به سقط جنین بوده و سن جنین کمتر از چهار ماه باشد و نشانه‌ها و امارات ولوج روح در جنین نباشد،

ب- در مواردی که اگر جنین سقط نشود مادر و جنین هر دو فوت می‌کنند و راه نجات مادر منحصر در اسقاط جنین است؛

ج- چنانچه پس از اخذ اظهارات ولی، جمیع شرایط زیر احراز شود:

- رضایت مادر
- وجود حرج (مشقت شدید غیرقابل تحمل) برای مادر
- وجود قطعی ناهنجاری‌های جنینی غیرقابل درمان، در مواردی که حرج مربوط به بیماری یا نقص در جنین است
- فقدان امکان جبران و جایگزینی برای حرج مادر
- فقدان نشانه‌ها و امارات ولوج روح
- کمتر از چهار ماه بودن سن جنین^۱.

۱- با توجه به این قانون، ماده واحده قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ منسوخ گردیده و بخش‌های مرتبط با این بحث، با قانون جدید منطبق می‌گردد.

ماده ۲۱۲- در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می شود.

ماده ۲۱۳- در تعارض سایر ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. همچنین شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد.

ذیل بند ۱۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی، هرگاه احراز شود شهرداری از اجرای وظایف قانونی خود با وجود امکانات مادی، خودداری و قصور ورزیده باشد، در این صورت براساس قواعد عام مسئولیت مدنی و از جمله مواد قانونی مرتبط نظیر مواد ۱ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و تبصره ۲ ماده ۵۱۴ ق.م.ا.ق. ۱۳۹۲، می تواند در قبال خسارت وارده به مصدوم، مسؤول واقع شود که تشخیص آن حسب مورد با مرجع قضائی رسیدگی کننده است."

ماده ۵۲۳- هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شییی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره - در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی باشد، ضامن منتفی است.

ماده ۵۲۴- هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محلهای غیر مجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارتهایی که آن حیوان وارد می کند و مستند به فعل شخص مزبور می باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.

ماده ۵۲۵- هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد ضامن جانیتهایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می کند مگر آنکه عمل مزبور مصداق دفاع مشروع باشد.

با توجه به بند (پ) ۱۵۶ ق.م.ا. در صورتی که خطر به سبب اقدام آگاهانه خود فرد بوده باشد، استناد به دفاع مشروع جایز نیست، بنابراین در فرضی که رفتار فرد اتفاقاً موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد و او در مقام دفاع از خودش به حیوان آسیبی وارد کند، رفتار او دفاع مشروع قلمداد می شود، اما در فرضی که عمداً و آگاهانه رفتاری را انجام دهد که موجب برانگیختن حیوان شود، نمی تواند به دفاع مشروع استناد کند و در صورتی که آسیبی به حیوان برسد، ضامن خسارت وارده است.

ماده ۵۲۶- هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن میباشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

۱- مطابق ماده ۳۳۲ ق.م. در فرضی که میزان تأثیر سبب و مباشر یکسان باشد مسئولیت متوجه مباشر است ولیکن همان گونه که ملاحظه می شود قانون گذار در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. برخلاف حکم مقرر در ماده ۳۳۲ ق.م. به میزان تأثیر توجه نموده است. و ظاهراً به نظر می رسد ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ماده ۳۳۲ ق.م. نسخ نموده است هرچند برخی خلاف این نظر را دارند. زیرا به اعتقاد این گروه حکم مقرر در ماده ۵۲۶ خلاف اصل تساوی است

هریک از آنان باید نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه را بپردازد، مگر آنکه تمام تقصیر صرفاً متوجه یکی از رانندگان باشد که در این مسئولیت پرداخت دیه تماماً برعهده اوست.^{۸۷}

۲- در مواردی که برخورد دو نفر یا چند نفر (خواه بی واسطه و خواه برخورد وسایل نقلیه) در نتیجه مانع خارجی باشد، با توجه به عدم قابلیت استناد نتیجه به آنان، هیچ یک ضامن نیستند، در اینصورت:

۲/۱ چنانچه مانع، از علل خارجی (مانند طوفان و زلزله و...) بوده باشد: هیچ کس ضامن نیست و بیت المال نیز عهده دار پرداخت دیه نخواهد بود.

۲/۲ چنانچه مانع، ناشی از تقصیر یا عمد انسانی باشد: مستنداً به م ۵۳۴ ق.م.ا عاملی که موجب ایجاد مانع شده است (مسبب) ضامن است.

ماده ۵۲۸- هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

۱- حکم مقرر در ماده فوق، که سابقاً نیز در رای وحدت رویه شماره ۷۱۷-۱۳۹۰/۲/۶ مورد تصریح قرار گرفته بود منطبق با اصل است و در ورود خسارت به صرف استناد نتیجه به رفتار شخص رای به تساوی می دهیم بی آنکه به میزان تاثیر رفتار او توجه کنیم به بیان دیگر قاضی نیز در استعلام از نظر کارشناس ورود اصل تقصیر تقدم و تاخر و سببیت را جویا می شود و به درصد تعیین شده از سوی کارشناس واقعی نمی نهد. با این حال استثنائاً در سه مورد به میزان درصد توجه می شود که این موارد را باید از استثنائات اصل تساوی دانست.

۱/۱- برخورد دو نفر (نه دو وسیله نقلیه) ماده ۵۲۷ ق.م.ا.

۱/۲- اجتماع طولی سبب و مباشر: اصل بر تساوی است مگر آنکه میزان تاثیرشان متفاوت باشد که در این صورت کارشناس باید درص تاثیر هر یک را تعیین نماید.

۱/۳- مسئولیت اشخاص ثالث در مقابل بیمه گر که بیمه گر پس از پرداخت خسارت به مسبب مراجعه کرده و به نسبت درصد تاثیرش از او خسارت پرداخت شده را دریافت می نماید؛ مطابق م ۱۶ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵: "چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاههای اجرایی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه گر و صندوق پس از پرداخت خسارت زیان دیده می تواند برای باز یافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می شود به مسببان ذی ربط مراجعه کند.

دستگاههای ذی ربط مجازند مسؤولیت کارکنان خویش را در قبال مسؤولیت‌های موضوع این ماده از محل اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تحت اختیار، بیمه کنند."

ماده ۵۲۹- در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.

اصل بر عدم تقصیر است (خواه در مورد سبب یا مباشر) و خلاف آن باید از سوی طرف مقابل به اثبات برسد.

ماده ۵۳۰- هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است.

ماده ۵۳۱- در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است.

ماده ۵۳۲- در برخورد دو وسیله نقلیه هرگاه رفتار هر دو یا یکی از آنها مشمول تعریف جنایات عمدی گردد حسب مورد به قصاص یا دیه حکم می شود.

ماده ۵۳۳- هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می باشند.

۱- اجتماع اسباب گاه به شکل طولی است و گاه به شکل عرضی است؛ در اجتماع عرضی تمامی اسباب با یکدیگر و به طور همزمان در نتیجه تأثیر می گذارند همانند فرضی که شخصی سقف خانه خود را آبیق نکرده و شخص دیگر نیز شیر آب را باز نموده و در نتیجه رفتار هر دو به یکباره سقف فرو بریزد. در این فرض هر دو سبب توأمان مؤثر بوده اند و همان گونه که در ماده ۵۲۳ ق.م.ا. آمده است در اجتماع عرضی اسباب همگی آنها متساویا مسئول هستند. اما در اجتماع طولی هر یک از سبب ها ن در زمان واحد، بلکه پس از دیگری منجر به نتیجه می شوند. مانند فرضی که شخصی به طور غیر مجاز در معبر عمومی مائعی قرارداده و شخص دیگر نیز چاهی حفر کند که در نتیجه برخورد عابران با مانع به درون چاه بیفتد، همان گونه که ملاحظه می شود در اینجا ابتدا مانع، مؤثر در نتیجه بوده است و با توجه به ماده ۵۳۵ ق.م.ا. در اجتماع طولی اسباب به سبب مقدم توجه می شود. (یعنی کسی که مانع را گذاشته است.)

۲- در فرضی که چند سبب، چند شریک یا سبب و مباشر با یکدیگر جمع شوند اصل بر تساوی مسئولیت آنان است، و صرف نظر از آنکه هر کدام چه میزان در نتیجه مؤثر بوده باشند مگر در موارد استثنایی (ن.ک: به زیر نویس ش.۱ ماده ۵۲۸ ق.م.ا.)

م ۵۳۳ ← جمع اسباب عرضی که در آن واحد اثر می گذارد ← تساوی بدون توجه به میزان درصد کارشناس

م ۵۳۵ ← جمع اسباب طولی ← اصولا به سبب مقدم توجه می شود.

م ۵۳۶ ← جمع سبب و مباشر ← اصولا تساوی کار تفاوت در تأثر رفتار

م ۳۶۸ ← جمع شرکا ← تساوی بدون توجه به میزان تأثیر (تأثیر خفیف شریک نهایتا از جهات تخفیف اختیاری به شمار می رود.

فصل هفدهم - جرایم علیه اشخاص و اطفال

ماده ۶۱۲ - هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بهر علت قصاص نشود در صورتیکه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.

۱- قصاص نفس در موارد زیر ثابت نشده یا به اجرا در نمی‌آید:

۱/۱ قاتل، پدر یا جد پدری مقتول باشد.

۱/۲ قاتل، مسلمان و مقتول غیرمسلمان باشد.

۱/۳ مقتول، مجنون باشد.

۱/۴ اولیای دم گذشت کنند.

۲- با توجه به بند (ث) م ۴۷ ق.م.ا صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در حبس بدل از قصاص نفس امکان پذیر نیست، ولیکن در رابطه با حکم آزادی مشروط، حکم نیمه آزادی و آزادی تحت سامانه های نظارت الکترونیکی با رعایت سایر شرایط قانونی منعی وجود ندارد.

۳- تبصره ماده فوق به موجب حکم مقرر در م ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ منسوخ و مجازات معاون در حال حاضر براساس حکم عام مقرر در م ۱۲۷ ق.م.ا (یک تا دو درجه پایین تر از مجازات مباشر) تعیین می گردد.

۴- مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۵۱۱۴ - ۱۳۷۷/۷/۲۰ : «فلسفه تصویب ماده ۱۲ ق.م.ا. که جایگزین ماده ۲۰۸ ق.م.ا. [۱۳۷۰] شده، آن است که هرگاه شخصی مرتکب قتل عمدی شود و قاتل به هر علت قصاص نشود اگر فعل ارتكابی سبب اخلال در نظم و امنیت جامعه گردد با بیم تجری مرتکب رود وی به مجازات مندرج در آن ماده محکوم گردد و موضوع ارتكاب قتل طفل متولد از زنا در این باره تفاوتی با سایر قتلها ندارد و ماده مذکور در این خصوص نیز جاری و ساری است.»

۵- مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۷۷۱۰ - ۱۳۸۳/۱۰/۱۴ : «چنانچه اولیای دم قبل از صدور کیفرخواست در مورد قصاص اعلام گذشت نموده باشند چون قتل از جرایم غیر قابل گذشت است دادسرا نمی تواند قرار موقوفی تعقیب صادر نماید و باید رسیدگی و پرونده را در صورت گذشت هم با صدور کیفرخواست به دادگاه عمومی جزایی جهت تعیین مجازات با توجه به ماده ۱۲ ق.م.ا. ارسال دارد.»

ماده ۶۱۳ - هر گاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.

تا حدی که در میان آشوریان قتل زن در حال زنا حق مسلم مرد قلمداد می شد و در رم باستان نیز علاوه بر شوهر به پدر نیز چنین حقی داده شده بود.^۱ از منظر قانونی نیز از زمان تصویب نخستین قانون جزایی ایران مورد پیش بینی قرار گرفته و قانون گذار در ۱۷۹۹م قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به بیان آن پرداخته بود، البته در قانون مزبور بر خلاف ۶۳۰م قانون تعزیرات به جواز قتل دختر یا خواهر نیز اشاره شده بود.^۲ مشابه این حکم در نظام تقنینی دیگر کشورها نیز قابل مشاهده است، همچنانکه در مواد ۳۲۴ و ۳۳۶ قانون جزا ۱۸۱۰ فرانسه نیز به چنین حکمی اشاره شده بود، هرچند در قانون مجازات جدید فرانسه ۱۹۹۲ دیگر به چنین عذری اشاره نشده است.^۳

۲- مطابق بند (ث) ۳۰۲ ق.م.ا زن و مرد اجنبی در مقابل شوهر مهدورالدم هستند و در صورت قتل یا صدمه به آنان هیچ گونه مجازات یا ضمانی اعم از تعزیر یا ضمان دیه ثابت نیست، ناگفته نماند، اشخاص مزبور در زمره افراد مهدورالدم نسبی به شمار می روند و در صورتی که سایر افراد نظیر برادر و... اقدام به قتل طرفین نمایند به قصاص نفس محکوم خواهند شد مگر آنکه اشتباه حکمی خود را اثبات نمایند و محرز شود که برای باور بوده اند که این اشخاص نسبت به آنها نیز مهدورالدم بوده اند که در اینصورت با توجه به ۳۰۳ ق.م.ا قصاص ساقط و به پرداخت دیه و تعزیر محکوم خواهند شد، نکته دیگر آنکه با توجه به استثنایی بودن حکم مزبور، اگر عکس قضیه فوق اتفاق بیفتد یعنی زن، شوهر خود را با زن دیگری در حال زنا ببیند، حق قتل آنان را نداشته و در صورت کشتن آنان به قصاص نفس محکوم خواهد شد.

۳- استناد به حکم فوق برای معافیت مرد تنها در صورتی است که اولاً طرفین را در حال زنا (نه سایر روابط منافی عفت) ببیند، ثانیاً باید در همان لحظه نزدیکی میان طرفین باشد، نه اینکه مرد بعد از وقوع زنا و اطلاع از آن اقدام به کشتن آنان نماید،^۴ ثالثاً می بایست علم به تمکین زن و رضایت او بر واقعه داشته باشد.

۴- از اطلاق ماده فوق چنین برمی آید که این حکم شامل زنی که در متعه یا نکاح موقت مرد است نیز می شود،^۵ البته به نظر می رسد حکم مزبور را نمی توان به ایام عده در طلاق رجعی تسری داد. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۳۰۲ - ۱۳۷۸/۴/۲۶ : «ماده ۶۳۰ ق.م.ا. ناظر به زوجه ای است که مطلقه نشده باشد و تعمیم آن به نحوی که شامل مطلقه معتده رجعیه هم بشود، تفسیر موسع قانون است که در جزایات مجاز نیست، بنابراین قتل زن مطلقه در عده رجعیه توسط شوهر سابق از لحاظ جواز قتل در قانون نیامده است و بین فقها هم اختلاف نظر وجود دارد.»

۱- حبیب زاده، محمدجعفر، ۱۳۸۰، قتل در فراش، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۴، ص ۹۳

۲- مطابق ۱۷۹۹م قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴: "هر گاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود معاف از مجازات است. هر گاه کسی به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود از یک ماه تا شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود به حبس تأدیبی از هشت روز تا دو ماه محکوم می شود."

۳- میرمحمدصادقی، همان، ص ۳۳۴

۴- مطابق رأی شماره ۱۰۹۴-۱۳۱۳/۴/۱۲ صادره از دیوان عالی کشور: «با انحلال نکاح، شوهر نمی تواند از عذر برانگیختگی استفاده کرده و حتی نمی تواند زانی و زانیه را تحت تعقیب جزائی قرار دهد»

۵- البته برخی فقط شامل نکاح دائم می دانند؛ حائری شاهباغ، علی، ۱۳۵۳، شرح قانون مجازات عمومی، موسسه مطبوعاتی آرش، قم، ص ۹۰

ق.آ.د.ک در صلاحیت دادگاه کیفری یک می باشد، البته در مواردی که رفتار مرتکب با رعایت شرایط مقرر در م ۲۸۶ ق.م.ا از مصادیق افساد فی الارض قلمداد شود، مجازات وی اعدام و رسیدگی به آن با توجه به م ۳۰۳ ق.آ.د.ک در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود؛ مطابق م ۴ قانون تشدید^۱ "کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند بنفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم میشوند و در صورتیکه مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود." از ظاهر ماده فوق به نظر می رسد که این تشدید تنها ناظر به کسانی است که اقدام به تشکیل یا رهبری شبکه نموده اند، می باشد و شامل سایر اعضای باند مجرمانه نمی گردد و از سوی دیگر منظور از شبکه چند نفری، با توجه به تبصره ۱ م ۱۳۰ ق.م.ا گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر است که برای ارتکاب جرم ایجاد یا بعداً هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف شده باشد. نکته دیگر آنکه براساس م ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ در حال حاضر کلیه حبس های ابد تعزیری به حبس درجه یک تبدیل می شود و بنابراین حبس ابد مقرر در م ۴ قانون تشدید به بیش از بیست و پنج سال حبس تبدیل می شود.

۱۱- همان گونه که بیان شد، قانون گذار در برخی از قوانین، جرم ارتكابی را در حکم جرایم کلاهبرداری دانسته یا مجازات کلاهبرداری را برای آن در نظر گرفته است، در مورد دسته نخست یعنی جرایم در حکم کلاهبرداری، علاوه بر مجازات کلاهبرداری، کلیه آثار آن از جمله ضرورت انتشار حکم محکومیت یا عدم شمول مرور زمان با رعایت نصاب قانونی (مواد ۳۶ و ۱۰۹ ق.م.ا) نیز بر آن مترتب است^۲، درحالی که در مورد دسته دوم یعنی جرایم با مجازات کلاهبرداری، تنها مجازات جرم با کلاهبرداری یکسان است و دیگر آثار آن بر رفتار مرتکب بار نمی شود، البته امروزه این جرایم از حیث مجازات نیز لزوماً با کلاهبرداری یکسان نیستند زیرا کلاهبرداری و انتقال مال غیر، بسته به مبلغ آن حسب مورد درجه چهار یا پنج محسوب می شود، در حالیکه سایر جرایم در حکم کلاهبرداری یا با مجازات آن با هر مبلغی، قابل گذشت و درجه پنج به شمار می روند.

۱۲- جرایم در حکم کلاهبرداری: برخی از مهم ترین مصادیق این جرایم عبارتند از:
۱۲/۱ انتقال مال غیر: برای توضیح تفصیلی نک به نکات ذیل قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب

۱۳۰۸

۱۲/۲ تبانی و مواضعه برای بردن مال دیگری: مطابق م ۱ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند ۱۳۰۷: "هر گاه اشخاصی با یکدیگر تبانی کرده و برای بردن مالی که متعلق به غیر است بر همدیگر اقامه دعوی نمایند این اقدام آنها جزء تشبیه و وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری که به موجب ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی [کلاهبرداری] پیش بینی شده است محسوب و به مجازات مندرجه در ماده مزبوره محکوم خواهند شد." همچنین مطابق م ۲ قانون مزبور: "اشخاصی که به عنوان شخص ثالث در

۱- مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۹۳۱-۹۳/۴/۲۱: "در کلیه مواردی که قانون گذار عمل مجرمانه را در حکم کلاهبرداری قلمداد کرده، کلیه آثار کلاهبرداری بر این عمل مجرمانه مترتب است؛ اما با رعایت نصاب مقرر در ماده ۳۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و تبصره ذیل آن مشمول ممنوعیت مقرر در ماده ۱۰۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در خصوص عدم شمول مرور زمان است. اما اگر مقنن صراحتاً مجازات عمل مجرمانه را به مجازات مقرر برای کلاهبرداری احاله دهد، چون کلیه آثار بزه کلاهبرداری به آن جرم مترتب نیست در نتیجه مشمول ممنوعیت مذکور در در ماده ۱۰۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نیز نمی شود."

دعوایی وارد شده یا به عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آنها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوی برای بردن مال یا تضییع حق طرف دیگر دعوی باشد کلاهبردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند بود. تبانی هر یک از طرفین دعوای اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاهبرداری است و مرتکب به مجازات مذکوره محکوم می‌گردد.^۱

۱۲/۳ تقاضای ثبت ملک غیر: برای توضیح تفصیلی نک به نکات ذیل قانون ثبت اسناد و املاک ۱۳۱۰
۱۲/۴ امتناع از استرداد حق منتقل‌الیه: برای توضیح تفصیلی نک به نکات ذیل قانون ثبت اسناد و املاک ۱۳۱۰

۱۲/۵ تحصیل متقلبانه تصدیق انحصار وراثت: مطابق م ۹ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹: "هر گاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم به عدم وراثت خود تحصیل تصدیق وراثت نموده و یا با علم به وجود وراثتی غیر از خود تحصیل تصدیق بر خلاف حقیقت کرده است کلاهبردار محسوب و علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد." همان گونه که ملاحظه می‌شود این جرم هم از سوی شخصی غیر از ورثه (با علم به عدم وراثت خود) و هم از سوی احد ورثه (با علم به وجود سایر وراثت) قابل ارتکاب است، بنابراین در فرضی که فرزند نامشروع با تصور اینکه از پدر خود ارث می‌برد اقدام به دریافت تصدیق انحصار وراثت نموده است، رفتار وی را به دلیل جهل موضوعی و عدم آگاهی از وراثت خود نمی‌توان جرم قلمداد کرد. نکته مهمی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، اینست که برای تحقق این جرم لازم است که مرتکب تصدیق انحصار وراثت را منحصرأ به نام خود دریافت کند تا از این طریق سایرین را از سهم خود محروم ساخته و به اصطلاح سهم‌شان را بالا بکشد! بنابراین در صورتی که شخص در کنار اسم سایر وراثت، نام شخص دیگری را هم به دروغ وارد نماید، هرچند موجب کاهش سهم الارث سایر ورثه می‌گردد ولیکن مشمول جرم موضوع ماده فوق نخواهد شد، هرچند شاید بتوان این رفتار را با رعایت سایر شرایط قانونی جعل دانست. نکته دیگر آنکه برای تحقق جرم فوق صرف تحصیل تصدیق حصر وراثت کافی است ولو آنکه مرتکب نتواند در عمل به سهم سایر وراثت دسترسی پیدا کند.

۱۲/۶ مبادرت به عملیات بیمه‌گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی: م ۶۰ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵: "فروش هر نوع بیمه نامه یا مبادرت به عملیات بیمه‌گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی، در حکم کلاهبرداری است و مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری، ضامن جبران خسارت وارده حسب مورد به زیان دیده یا صندوق به نرخ روز جبران می‌باشد." همان گونه که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار در قسمت اخیر ماده فوق در بحث جبران خسارت به درستی قیمت روز را ملاک قرار داده که از این حیث کاملاً همسو با حکم مقرر در تبصره م ۱۹ ق.آ.د.ک می‌باشد؛ به موجب تبصره مذکور: "در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است."^۱

۱- یکی از رفتارهای رایج برای کسب درآمد از سوی سودجویان، اقدام به صحنه سازی در تصادفات رانندگی است، مانند فرضی که شخص یک خودروی فرسوده را خریده و برای دریافت خسارت از بیمه بیش از ارزش خودرو، آن را به تهره پیتدازد و وانمود کند که ماشین در نتیجه خلاص بودن و حرکت ناگهانی به تهره پرت شده است، چنانچه موفق به دریافت خسارت از بیمه شود به حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی نسبی (معادل دو برابر وجوه دریافتی) محکوم می‌شود؛ مطابق م ۶۱ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵: "هرکس با انجام اعمال متقلبانه مانند صحنه سازی صوری تصادف، تمویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت

۱- مطابق م قانون مذکور: هر گاه محکوم علیه یا مدیون یا کلیلی مال غیر را مال خود معرفی نماید و همچنین اگر مدعی علیه برای تأمین مدعی به مال متعلق به غیر را مال خود معرفی کند و برای وصول حق محکوم له یا دائن و یا تأمین مدعی به عملیاتی نسبت به آن مال بشود محکوم له یا دائن و یا معرفی که مدعی به او تأمین شده مسئول خسارات وارده بر صاحب مال نخواهد بود و صاحب مال می تواند برای جبران خسارات خود به کسی که مال او را مال خود معرفی کرده است مراجعه کند.

دوره سرقت عمومی و استیاسی

اصل ۴۹ قانون اساسی^۱ به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات باطل و بلااثر است انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد.

ماده ۲- هرکس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاصی به جهت داشتن شرایط مخصوص تقویتی می گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوء استفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد.

تبصره - در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک این قانون خواهد بود.

۱- قانون گذار در ماده فوق به بیان جرم تحصیل مال از طریق نامشروع پرداخته است، به عقیده برخی علّت وضع این ماده، جرم انگاری رفتارهایی است که مشمول هیچ یک از عناوین مجرمانه دیگر نظیر سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... نشده و در عین حال مالی از راه نامشروع به دست آمد است با پذیرش این نظر رفتار شخصی که کیف گمشده و اسکناس های موجود در آن را بر می دارد از مصادیق تحصیل مال از طریق نامشروع به شمار می رود^۲. اما این نظر، راه را برای تفسیر گسترده قانون بازگذاشته و با این رویکرد بسیاری از رفتار ها به رقم سکوت قانونگذار جرم قلمداد می شود ولیکن همان گونه که در رویه محاکم نیز مشاهده می شود با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و ضرورت تفسیر به نفع متهم عبارت "یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند" در صدر ماده فوق را باید حمل بر به سه عمل متدرج در صدر ماده نمود؟ یعنی ۱- در معرض خرید و فروش قرار دادن امتیازات خاصی به بعضی افراد، ۲- سوء استفاده از این امتیازات، ۳- توزیع کالا بر خلاف ضوابط توزیعی، برای مثال رفتار شخصی که بر خلاف ضوابط توزیعی، اموالی را که به وی سپرده شده است یا قیمتی بیشتر از نرخ مقرر به فروش برساند با توجه به مورد سوم تحصیل مال از طریق نامشروع محسوب می شود.

۲- از عبارت "تحصیل کند" در ماده فوق چنین برمی آید که این جرم تنها از طریق رفتار مثبت یا فعل قابل ارتکاب است، بنابراین در فرضی که دیگری پولی را که به اشتباه به حساب او واریز شده است، مسترد نکند، رفتار او را نمی توان تحصیل مال از طریق نامشروع قلمداد کرد، چرا که در اینجا برای به دست آوردن مال از شیوه نامشروعی استفاده نکرده و صرفاً پولی را که متعلق به او نبوده، پس نداده است و همین دلیل باید از

۱- مطابق اصل چهل و نهم قانون اساسی: "موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقامات کاربرها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، تأیید کردن اماكن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود."

۲- نظر موافق، میرمحمد صادقی، همان، ص ۱۴۷
۳- برای دیدن این نظر نکه به آقایی نیا، حسین، با تفسیر رایج از قسمت اخیر ماده ۴۳ قانون تشدید به کجا می رویم، ماهنامه قنulat، مهر و آبان ۱۳۹۰، شماره ۷۳، صص ۳۹ تا ۵۱.

دوره سرقت عمومی و استیاسی

جهت مدنی پاسخ گو باشد^۱. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۰۱۱ - ۱۳۹۳/۸/۲۴ متعزّض همین مطلب شده است: مطابق نظریه مذکور: "با عنایت به مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مدنی، چنانچه سهواً وجهی به حساب کسی واریز شود دریافت کننده مکلف به تسلیم آن و پرداخت کننده صرفاً مجاز

رشا و ارتشا، رفتار مأمور دولت نیز ارتشا قلمداد نمی شود، مطابق نظریه مشورتی شماره ۸۷۱۱/۷-۲: ۱۳۷۴/۱/۲۹: "در جرم ارتشا چنانچه متهم به اخذ رشوه به علل غیرشخصی از جرم انتسابی برائت حاصل نماید، محکوم کردن راشی به همان جرم قابل توجیه نخواهد بود، زیرا بین عمل راشی و مرتشی ملازمه وجود دارد و با انتفای یکی دیگری نیز منتفی می شود." همچنین در فرضی که شخصی به قصد دادن انعام (نه قصد انجام کاری برای او) پولی به یکی از مأموران آن اداره بدهد، رفتار او به دلیل فقدان قصد مجرمانه، رشا محسوب نمی شود؛ مطابق حکم شماره ۲۱۷۰ صادره از شعبه پنجم دیوان عالی کشور: "دادن مبلغی به کارمند دولت به رسم انعام در حالی که کارمند مزبور هیچ نوع مداخله ای در کار نداشته (بدون تقاضای انجام یا امتناع از انجام امری که از وظایف او به شمار آید) رشوه محسوب نخواهد شد و مشمول مقررات دیگر کیفری هم نخواهد بود." نکته دیگر آنکه با توجه به مطلق جرم نیازی به قصد نتیجه نیست و همین که مالی به عنوان انجام کار دریافت شود، ارتشا محقق می شود، ولو آنکه مأمور از ابتدا قصد انجام آن کار را نداشته باشد.

۸- در رابطه با جزای نقدی مقرر در ماده فوق باید یادآور شد، در مواردی که رشوه در چند نوبت از کسی دریافت شود (جرم استمرار یافته) مجموع مبالغ ملاک تعیین مجازات است، همچنین در مواردی که مأمور دولت به دلالی مانند برگشت خوردن چک، موفق به دریافت مال نشود، بحث جزای نقدی منتفی است^۱، زیرا بحث "جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ" مندرج در ماده فوق در مورد وجهی که هنوز اخذ نشده است، اساساً منتفی است.

۸/۱ در جرایم کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع و اختلاس با توجه به تعلق مال به دیگری، حکم به رد مال به مالک آن داده می شود اما در ارتشا بحث رد مال منتفی است و بایستی حکم به ضبط آن مال داده شود مگر آنکه مال موضوع ارتشا متعلق به راشی نبوده باشد یا راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناگزیر از دادن رشوه بوده باشد که در این موارد ضبط اموال انجام نمی شود. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۷۳۷۴-۱۳۸۳/۱۰/۲: «ضبط مال در صورتی امکان پذیر است که مورد رشاء متعلق به خود راشی باشد بنابراین چنانچه راشی مال غیر را به عنوان رشوه داده باشد مجوز قانونی برای ضبط آن وجود ندارد».

۸/۲ مطابق نشست قضایی دادگستری یزد، مهر ۸۰: "هرگاه راشی با دادن رشوه، امتیازی تحصیل کرده باشد، طبق تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری (علاوه بر مجازات مقرر در قانون) امتیاز مذکور لغو می شود. اما در خصوص منافعی که با استفاده از امتیاز مرقوم بدست آورده، هرگاه ذاتا شرایط و استحقاق آن امتیاز را داشته، مع الوصف برای تحصیل آن رشوه داده باشد، منافع حاصله قابل وصول نیست. چنانچه شرایط قانونی لازم برای تحصیل امتیاز را نداشته باشد، منفعتی را که به دست آورده

۱- مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۲۰۹۸ - ۱۳۹۲/۱۱/۵: ۱- آنچه در تبصره ۱ ماده ۳ و تبصره ۴ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۱۲۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح آمده است شامل یک جرم اختلاس یا ارتشاء است، یعنی موضوعی که از بابت آن رشوه دریافت می شود «واحد» است و پرداخت وجه یا مال... به دفعات صورت گرفته یا مختلس از صندوق شخصی وجوهی را به دفعات برداشت می کند که در این صورت مجموع مبالغ، ملاک تعیین مجازات و صلاحیت است و قاعده تعدد جرم جاری نیست. اما اگر کارمند دولت یا فرد نظامی (از افراد مختلف) برای موضوعهای متعدد وجوهی اخذ کند، مشمول مقررات فوق الذکر نبوده و مقررات تعدد جرم (ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) درباره او قابل اعمال است. "همچنین نشست قضایی تهران مورخ ۱۳۷۹/۶/۳: "مطابق ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری قبول سند نیز موجب تحقق جرم است بنابر این در یافت چک که وسیله پرداخت وجه است، دریافت کننده را در حکم مرتشی قرار می دهد، در نهایت چون وجهی وصول یا اخذ نشده است نمی توان مرتکب را به پرداخت جزای نقدی محکوم نمود.

مشروع نبوده و عمل ارتكابی د حدود ماده ۲ قانون پیشگفته نیز قابل رسیدگی است و بر همین اساس منافع حاصله قابل وصول خواهد بود.

اگر ناگزیر از دادن رشوه باشد هم بحث ضبط اموال منتفی است. در جرایم مندرج در این قانون کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع و اختلاس بحث رد مال داریم و در رشوه بحث ضبط مال.

۸/۲ در صورتی که مرتکب از پرداخت جزای نقدی امتناع نماید، علاوه بر حبس اصلی، با توجه به م ۲۹ ق.م.ا به حبس بدل از جزای نقدی نیز محکوم می گردد. در خصوص مجازات جزای نقدی بایستی خاطر نشان ساخت که از میان جرایم مندرج در قانون تشدید... میزان جزای نقدی در کلاهبرداری و ارتشا معادل مال گرفته شده و در تحصیل مال نامشروع و اختلاس، دو برابر مال موضوع جرم است.

۹- تبصره ۳ ماده فوق به موجب م ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، نسخ شده و مجازات شروع به ارتشا نیز همچون دیگر جرایم تابع حکم مقرر در م ۱۲۲ ق.م.ا است. در رابطه با شروع به ارتشا همان گونه که بیان شد، صرف وعده دادن مال و قبول آن را نمی توان شروع به ارتشا دانست^۲ و شروع به جرم در فرضی صادق است که مرتکب حین قبض و اقباض دستگیر شود یا معامله ای که به قیمت فاحش بیشتر از میزان متعارف آن صورت گرفته است، به جهاتی باطل باشد، نکته دیگر آنکه برخلاف شروع به ارتشا، در مورد شروع به رشا حکمی در قانون مورد پیش بینی قرار نگرفته است.

۱۰- تبصره ۴ ماده فوق به موجب م ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نسخ شده و صدور قرار بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در بند (ث) ماده مذکور، تا یک ماه جایز (اختیاری) است.

۱۱- مجازات مقرر در م ۳ قانون تشدید، منصرف از مواردی است که کلاهبرداری به صورت شبکه ای ارتکاب یافته باشد و در این موارد مرتکب با توجه به م ۴ همین قانون، به حبس تعزیری درجه یک محکوم می شود، مگر آنکه رفتار او با رعایت شرایط مقرر در م ۲۸۶ ق.م.ا از مصادیق افساد فی الارض باشد که در اینصورت به اعدام محکوم می گردد.

ماده ۴- کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند برفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتیکه مصداق کامل مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

۱- مطابق م ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ مجازات حبس ابد تعزیری به حبس درجه یک (بیش از بیست و پنج سال) تبدیل شده است.

۱- نشست قضایی تهران مورخ ۹۳/۱/۲۰: "هیچ گونه تعارضی بین ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری با ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی [۱۳۷۰] وجود ندارد، زیرا اساساً ماده ۲ در مورد حبس بدل از جریمه نقدی حکمی ندارد و لذا مقررات ماده ۲۹ به عنوان عام همه مصادیق و مواردی را که مدت حبس منقضی شده و محکوم علیه قادر به پرداخت جریمه نقدی نیست شامل می شود. نظر اکثریت با توجه به نظریه اداره حقوقی مورد تأیید است."

۲- مطابق نظریه شماره مشورتی ۷/۲۶۵۷ - ۱۳۷۲/۵/۱۹: "برای تحقق ارتشا اخذ مال توسط مرتشی لازم است و صرف وعده رانی به تنهایی کافی شروع به جرم ارتشا نیست."

تبصره ۳ - هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفر خواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرا مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.

تبصره ۴ - حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرایم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتا واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۵ - هرگاه میزان اختلاس زاید بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچگونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت. تبصره ۶ - در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت یا انفصال دائم خواهد بود.

۱- اختلاس در زمره جرایمی است که شباهت زیادی به خیانت در امانت دارد که مهم ترین آن "سپرده شدن" مال به مرتکب است، اما از جهات مختلفی دارای تفاوت هستند که ذیلاً به بیان آن می‌پردازیم:

۱/۱ در خیانت در امانت، مال امانی متعلق به یک شخص عادی است در حالیکه در اختلاس، مالی که در اختیار مرتکب گذاشته شده، حسب مورد از اموال، وجوه، مطالبات و... متعلق به نهادهای دولتی، عمومی یا سایر نهادها یا اشخاص است، بنابراین در فرضی که کارمند یک شرکت خصوصی اقدام به تصاحب اموالی نماید که برحسب وظیفه به وی سپرده شده است، رفتار وی خیانت در امانت محسوب می‌شود نه اختلاس. همچنین در فرضی که کارمند یک تسهیلات بانک دولتی چک متعلق به مشتریان را برای خود وصول نماید مرتکب اختلاس شده است زیرا هر چند چک متعلق به بانک نبوده اما متعلق به اشخاص بوده که برحسب وظیفه نزد کارمند سپرده شده است.

۱/۲ مرتکب جرم خیانت در امانت ممکن است هر شخصی با هر پست یا سمتی باشد، اما مرتکبین جرم اختلاس لزوماً از کارمندان و کارکنان نهادها و ادارات مقرر در ۵۴ قانون تشدید (اعم از رسمی، پیمانی و...) هستند که مال "بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است" بنابراین در فرضی که اموال ادارات مذکور به دلایلی به یک شخص عادی سپرده شود (مثلاً خودروی اداره دولتی برای تعمیر به تعمیرکار سپرده شود) و آن شخص اقدام به تصاحب آن مال نماید، رفتار وی خیانت در امانت محسوب می‌شود، نه اختلاس. شرط دیگر اختلاس آنست که مال باید بر حسب وظیفه به کارمند سپرده شده باشد، بنابراین در فرضی که یکی از کارمندان نهادهای فوق، وجوه متعلق به آن‌ها را که در اختیار رئیس آن اداره است، برای خودش بردارد، رفتار وی سرقت محسوب می‌شود نه اختلاس، چرا که آن مال بر حسب وظیفه به وی سپرده نشده است.

۱/۳ خیانت در امانت در قالب یکی از چهار رفتار استعمال، تصاحب، اتلاف یا مفقود نمودن محقق می‌شود اما اختلاس تنها در صورتی تحقق می‌یابد که مرتکب آن مال را برای خودش یا دیگری برداشته و تصاحب نماید و سایر رفتارهای مذکور در مورد خیانت در امانت شامل اختلاس نمی‌شود، در صورتی که کارمند، مال را صرفاً به طور غیر مجاز استعمال نموده یا تضییع نماید، رفتار وی مشمول جرم تصرف غیر قانونی مقرر در ۵۹۸م

۸- تبصره ۶ ماده فوق به موجب م ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، نسخ شده و تخفیف مجازات در جرم فوق نیز همچون دیگر جرایم تابع حکم مقرر در م ۳۷ ق.م.ا است و بنابراین تعیین مجازات به کمتر از حداقل قانونی امکان پذیر می باشد.

۹- در مواردی که شخصی علیرغم آگاهی از اختلاس، اموال مورد اختلاس را خریداری نماید با استناد به بند (الف) م ۲ و م ۹ قانون مبارزه با پول شویی اصلاحی ۱۳۹۷ به مجازات این جرم محکوم می شود.

۱۰- رسیدگی به اختلاس برعهده دادگاه کیفری دو می باشد مگر در اختلاس شبکه ای که در اینصورت با توجه به میزان مجازات (حبس درجه ۱) رسیدگی در صلاحیت دادگاه کیفری یک خواهد بود، البته این حکم متصرف از مواردی است که رفتار مرتکب افساد فی الارض موضوع م ۲۸۶ ق.م.ا می باشد و در این موارد دادگاه انقلاب استناد به م ۳۰۳ ق.آ.د.ک صالح به رسیدگی می باشد.

۱۱- تبصره ۵ ماده فوق با توجه به م ۲۳۷ ق.آ.د.ک نسخ شده و در حال حاضر صدور قرار بازداشت موقت در جرم مزبور با رعایت شرایط بند (ث) م ۲۳۷ ق.آ.د.ک اختیاری است.

۱۲- قانون گذار در بعضی از قوانین خاص به بیان جرایم در حکم اختلاس پرداخته است که ذیلاً به بیان آن می پردازیم :

۱۲/۱ قاچاق مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: مطابق م ۳۴ این قانون: " در صورتی که مأموران دستگاههای کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می شوند." همچنین قانون گذار در تبصره ۱ ماده مذکور، مأمورانی را که عاماً از گزارش قاچاق کالا و ارز امتناع نمایند، در حکم مختلس دانسته است. مطابق این تبصره: " در صورتی که مأموران دستگاههای کاشف یا وصول درآمدهای دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می شوند." ناگفته نماند حکم مقرر در م ۳۵ و تبصره ۱ آن صرفاً ناظر بر مأموران دستگاههای کاشف یا وصول درآمدهای دولت نبوده و به صراحت تبصره ۲ این ماده شامل کارکنان تمامی دستگاهها و سازمان های مؤثر در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله ستاد و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی نیز می گردد.

۱۲/۲ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶: مطابق م ۱۷ این قانون " هر یک از کارکنان شرکت یا اشخاصی که به هر نحوی به همکاری و خدمت دعوت شده اند یا با ادامه فعالیت آنها موافقت شده، تمام یا بعضی محموله سپرده شده به وی یا اداره پست را در هر یک از مراحل پستی به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کند، این عمل در حکم اختلاس محسوب می شود و مرتکب علاوه بر مسئولیت مدنی در مقابل صاحب محموله، به کیفر اختلاس محکوم خواهد شد." البته در مواردی که مراسله از مراسلات ثبت شده نباشد، در صورت مفتوح نشده و مطالب آن افشاء نشده و حاوی اسناد مالکیت، مدارک تحصیلی، شناسنامه، گذرنامه و همانند آنها نباشد، به شرط گذشت شاکی خصوصی، رفتار شخص دیگر جرم محسوب نشده ولیکن با توجه به تخلف وی پرونده با استناد به تبصره ۱ ماده فوق به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری فرستاده می شود.

۱۲/۳ قانون استخدام کشوری: مطابق تبصره م ۱۰۱ این قانون اصلاحی ۱۳۵۳: " استفاده غیر مجاز از وجوه صندوق بازنشستگی کشوری در حکم اختلاس اموال دولتی میباشد."

برای مثال ممکن است جرم منشأ در زمره جرایم قابل گذشت بوده و شاکی نسبت به آن گذشت کرده باشد و با جرم منشأ به دلیل مرور زمان، دیگر قابل تعقیب نباشد، در این موارد، عدم امکان تعقیب یا مجازات جرم منشأ مانع تعقیب یا مجازات پولشویی نمی شود.

هشتم، برخلاف عقیده برخی که پولشویی را جرمی مقید می دانند، باید گفت که پولشویی در زمره جرایم مطلق است و حتی اگر اقدامات مرتکب، در عمل منتهی به پنهان نمودن منشأ مجرمانه نشود، باز به مجازات این جرم محکوم می گردد.

نهم، قانون گذار در تبصره های ۲م قانون مورد بحث، در مقام مقابله با این جرم، کمی فراتر از اصول حقوقی، به ویژه فرض برائت، قدم برداشته است، به موجب تبصره های مزبور در مواردی که مالی در تصرف دیگری است و قاضی ظن (نه یقین) بر عدم مشروعیت آن داشته باشد، دستور توقیف آن را صادر کرده و این بر عهده متصرف است که مشروعیت آن را به اثبات برساند، وگرنه به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد. در واقع در این موارد قاضی علم به پولشویی ندارد، ولیکن ظن قریب به علم دارد که در مال تحت تصرف "متصرف" شبهه وجود دارد و از مجرای قانونی تحصیل نشده است:

تبصره ۱: "هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و باتوجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسؤولیت اثبات صحت آنها بر عهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است."

تبصره ۲: "داراشدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبته می باشد. علاوه بر این چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد (۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سالهای بعد باشد وجود سابقه از آن در سامانه های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبته که قابل راستی آزمایی باشد به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک چهارم ارزش آن اموال خواهد بود، در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضائی توقیف می شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده از مال رفع توقیف و در غیر این صورت ضبط می شود."

تبصره ۳: "چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود."

دهم، مطابق م ۱۵ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴: "چنانچه تأمین مالی تروریسم به عملیات پولشویی منجر شود، مرتکب حسب مورد به مجازات شدیدتر محکوم می شود." ظاهراً حکم این ماده استثنایی است بر حکم مقرر در ۹م قانون مبارزه با پولشویی، زیرا همان گونه که بیان شد در صورتی که جرم منشأ منتهی به پولشویی شود، رفتار مرتکب از مصادیق تعدد مادی به شمار می رود، در حالیکه به نظر می رسد قانون گذار در ماده فوق رفتار مرتکب را از مصادیق تعدد معنوی (فعل واحد با دو عنوان مجرمانه) دانسته و همان گونه که در ۱۳۱ ق.م.ا هم آمده است، مرتکب را مستحق مجازات شدیدتر دانسته است، مطابق م ۱۳۱ ق.م.ا: "در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود." البته همان طور که گفته شد این حکم جنبه استثنایی داشته و در سایر موارد مرتکب به مجازات هر دو جرم (جرم منشأ و پولشویی) محکوم خواهد شد.

سوم، پول شویی در زمره جرایمی است که معمولاً به شکل سازمان یافته ارتکاب می یابد، قانون گذار در تبصره ۴م قانون فوق به این موضوع توجه داشته و ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته را از موجبات تشدید مجازات دانسته است؛ مطابق تبصره مذکور: "در صورتی که جرم پولشویی به صورت سازمان یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد بود." بنابراین در پولشویی سازمان یافته با مبلغ تا یک میلیارد تومان، مرتکب به مجازات حبس تعزیری درجه چهار و بیش از آن به حبس تعزیری درجه سه محکوم خواهد شد. ناگفته نماند تشدید مجازات اعضای گروه سازمان یافته، منافاتی با تشدید مجازات سردهسته نداشته و سردهسته گروه پولشویی با توجه به م ۱۳۰ ق.م.ا به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای مرتکب شوند، محکوم می گردد.

چهارم، در رابطه با مجازات معاونت در پولشویی باید خاطر نشان ساخت که براساس به م ۱۳ قانون مبارزه با پولشویی، مقررات معاونت در این جرم تابع قواعد عام مقرر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است، بنابراین با توجه به بند (ت) م ۱۲۷ ق.م.ا مجازات معاونت در پولشویی یک تا دو درجه پایین تر از مجازات آن جرم خواهد بود، برای مثال در جرم پولشویی با مبلغ بیش از یک میلیارد تومان، با توجه به آنکه مجازات قانونی جرم، حبس درجه چهار است، مجازات معاون نیز حبس درجه پنج یا شش خواهد بود. در مورد شروع به جرم نیز به همین شکل است و مجازات شروع به پولشویی بر اساس قواعد عام مقرر در م ۱۲۲ ق.م.ا تعیین خواهد شد، بنابراین در جرم پولشویی با مبلغ بیش از یک میلیارد تومان (حبس درجه چهار) مجازات شروع به جرم، حبس درجه پنج می باشد و در صورتی که میزان آن تا یک میلیارد تومان باشد (حبس درجه پنج) مجازات شروع به جرم، حبس، شلاق یا جزای نقدی درجه شش خواهد بود.

پنجم، در رابطه با اینکه آیا مجازات جرم پولشویی قابل تعلیق هست یا نه، باید یادآور شد که جرم مزبور به صراحت بند (ذ) م ۳۶ ق.م.ا در زمره جرایم اقتصادی به شمار می رود و مطابق بند (ج) م ۴۷ ق.م.ا در جرایم اقتصادی بالای ده میلیون تومان و شروع به آن، صدور قرار تعلیق مجازات ممنوع است، البته این حکم شامل تخفیف مجازات مرتکبین پول شویی نمی شود و همان گونه که در م ۱۳ قانون مبارزه با پولشویی آمده است: "مجازات شروع به جرم، معاونت و شرکت در جرائم موضوع این قانون و مقررات راجع به تشدید و تخفیف مجازات، حسب مورد تابع قانون مجازات اسلامی است." همان گونه که ملاحظه می شود، قانون گذار در ماده مذکور مقررات راجع به تخفیف یا تشدید مجازات پولشویی را مشمول حکم عام مقرر در قانون مجازات اسلامی دانسته است، بنابراین دادگاه می تواند با استناد به بند (الف) م ۳۷ ق.م.ا مجازات حبس را تا سه درجه تقلیل دهد (مگر آنکه درجه چهار باشد که تقلیل تا دو درجه یا تبدیل به جزای نقدی امکان پذیر است). ولیکن امکان تبدیل مجازات این جرم وجود ندارد. ناگفته نماند، با توجه به اقتصادی بودن جرم مورد بحث، در مواردی که مبلغ جرم صد میلیون تومان یا بیشتر باشد، دادگاه موظف است با استناد به م ۳۶ ق.م.ا علاوه بر مجازات اصلی، دستور انتشار حکم محکومیت قطعی را در رسانه ملی یا جراید کثیرالانتشار (مجازات تعزیری درجه شش) در حکم خود قید نماید، همچنین با توجه به م ۱۰۹ ق.م.ا استناد به هیچ یک از اقسام مرور زمان در جرم پولشویی با مبالغ مذکور (یعنی صد میلیون تومان و بیشتر) مورد پذیرش قرار نمی گیرد.

ششم، با توجه به پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در م ۱۴۳ ق.م.ا در مواردی که شخص حقوقی مرتکب پول شویی شود، علاوه بر مجازات های مقرر در م ۲۰ ق.م.ا به جزای نقدی نسبی نیز محکوم خواهد شد؛ مطابق تبصره ۵م قانون مبارزه با پولشویی: "در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پولشویی

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ به همراه اصلاحات بعدی و قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷

امروزه استفاده از چک به عنوان جایگزینی برای پول و وسیله ای برای تسهیل معاملات امری شایع است ولیکن روزانه شاهد چک هایی هستیم که منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت شده و در اصطلاح برگشت می خورد. یکی از مهم ترین تدابیر جهت حمایت از حقوق دارندگان چک و جلوگیری از شیوع پدیده ای به نام چک های برگشتی، پیش بینی راهکار صحیح قانونی برای مقابله با کسانی است که بی محابا برگه های چک را امضا نموده و در اختیار سایرین قرار می دهند، پیش بینی مقررات خاص در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و تصویب قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ (اصلاحی سال های ۱۳۷۲، ۱۳۷۶، ۱۳۸۶، ۱۳۹۷) به عنوان قانونی خاص در این زمینه، از جمله سازوکارهایی است که قانون گذار در برخورد با رفتارهایی از این دست، اتخاذ نموده است. البته ناگفته نماند در این قانون تنها به بیان موضوعات کیفری پرداخته نشده و سایر مسائل مربوطه به چک نیز در آن مورد بحث قرار گرفته است ولیکن در اینجا صرفاً به بررسی ابعاد کیفری صدور چک پرداخت نشدنی پرداخته خواهد شد.

الف) تعریف جرم صدور چک پرداخت نشدنی

آنچه در قانون صدور چک تحت عنوان چک بلامحل نامیده شده است، به معنای صدور چکی است که بانک به هر دلیل از وصول آن خودداری می نماید. دلیل این امتناع صرفاً خالی بودن محل و عدم تکافوی موجودی نیست، بلکه ممکن است بانک علیرغم پر بودن حساب، به دلایل دیگری نظیر عدم مطابقت امضا، خط خوردگی، مسدود بودن حساب و... از وصول چک اجتناب و اقدام به صدور گواهی عدم پرداخت نماید. در واقع بلامحل بودن چک یکی از دلایل عدم پرداخت وجه آن می باشد و بنابراین شایسته است به جای استفاده از عبارت "چک بلامحل" از عبارات عام تری نظیر چک بلاوصول، غیرقابل پرداخت یا پرداخت نشدنی استفاده شود تا دیگر مصادیق جرم مزبور را هم دربرگیرد. مطابق م ۳ قانون صدور چک: "صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک، یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید." همان گونه که ملاحظه می شود قانون گذار در ماده فوق با بیان عبارت "از قبیل" هرگونه عملی را که منتهی به عدم پرداخت چک گردد، مشمول این جرم دانسته است و موارد مقرر در این ماده تمثیلی و به دلیل غلبه هستند، البته در مواردی که شخص به دلیل صدور حکم ورشکستگی قادر به پرداخت وجه چک نباشد، مشمول جرم مزبور نخواهد شد؛ در رابطه با جرم مورد بحث باید به نکات زیر توجه نمود:

نخست، جرم صدور چک پرداخت نشدنی لزوماً همزمان با صدور چک محقق نمی شود و در بسیاری موارد شخص پس از صدور چک، اقدام به خالی کردن حساب خود می نماید یا با دستور عدم پرداخت به بانک، مانع وصول آن می شود. مطابق م ۳ قانون صدور چک: "صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر

خاصی نیست و در همه مواردی که شخص بیش از یک بار اقدام به صدور چک پرداخت نشدنی با هر مبلغی نموده و تعقیب آن‌ها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد، مجری خواهد بود.

پنجم، در مورد چک‌هایی که بابت معاملات نامشروع مانند خرید مواد مخدر، معاملات ربوی و... صادر می‌شود، حمایت حقوقی و کیفری از چک برداشته شده و همان گونه که در تبصره ۷م قانون صدور چک نیز آمده است: "بانک‌ها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یکبار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آنها منجر به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند." البته برداشتن وصف کیفری از چنین چک‌هایی مانع تعقیب جرم اصلی نمی‌شود و برای در فرضی که شخصی بابت ربا چکی را به دیگری داده باشد، هرچند به مجازات صدور چک پرداخت نشدنی محکوم نمی‌شود اما به مجازات جرم ربا محکوم خواهد شد.

ششم، همان گونه که بیان شد، با توجه به قابل گذشت بودن جرم صدور چک پرداخت نشدنی، در صورت گذشت شاکی، تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌شود، قانون‌گذار در مواد ۱۱ و ۱۲ قانون صدور چک، علاوه بر گذشت دارنده چک، پرداخت وجه چک و خسارات وارده^۱ یا انتقال آن به دیگری را هم از موجبات موقوفی تعقیب یا مجازات دانسته است. علت موقوف شدن جنبه کیفری در نتیجه انتقال آن از سوی دارنده چک، اینست که قانون‌گذار در ۱۱م قانون صدور چک حق شکایت کیفری را صرفاً مختص دارنده چک دانسته است و هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد. یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد، البته این حکم شامل انتقال قهری نمی‌شود و در صورت فوت دارنده چک، حق شکایت و تعقیب برای ورثه او محفوظ خواهد ماند (مشروط بر آنکه ظرف شش ماه از تاریخ فوت اقدام به طرح شکایت نمایند). منظور از دارنده چک، شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول چک به بانک مراجعه کرده است، بانک‌ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره شود، آنست که مطابق ۱۲م قانون صدور چک، هرچند گذشت شاکی یا پرداخت وجه چک و خسارات مربوطه پس از صدور حکم قطعی موجب موقوفی اجرای حکم می‌شود ولیکن محکوم ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. در رابطه با حکم مقرر در این ماده باید یادآور شد که به صراحت ۷م قانون صدور چک، مجازات جزای نقدی از مجازات‌های این جرم برداشته و مرتکب صرفاً به مجازات حبس به شرح فوق، محکوم خواهد شد، بنابراین این بخش از ۱۲م قانون صدور چک با تصویب ۷م قانون صدور چک نسخ شده است و بحث یک سوم جزای نقدی در این موارد منتفی خواهد بود. نکته دیگر آنکه با توجه به ۹م قانون مذکور، اگر صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا به موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست.

۱- مطابق ۱۲م قانون صدور چک، وجود لاشه چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر خلاف این امر ثابت گردد. نکته دیگر آنکه با توجه به رأی وحدت رویه ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در چک پرداخت نشدنی، تاریخ چک است نه تاریخ مطالبه آن.

برداشت و مابقی به مالک مسترد می‌گردد. در هر مرحله از رسیدگی چنانچه متهم وثیقه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی تودیع نماید از وسیله نقلیه رفع توقیف می‌شود.

تبصره ۲ م ۲۰- در صورتی که ارتکاب جرم قاچاق با هر یک از انواع وسایل نقلیه مذکور حداقل سه بار تکرار شود و ارزش کالا در مجموع معادل یا بیشتر از مبالغ این ماده باشد وسیله نقلیه ضبط می‌شود.

ماده ۲۲- هرکس مرتکب قاچاق کالای ممنوع گردد یا کالای ممنوع قاچاق را نگهداری یا حمل نماید یا بفروشد، علاوه بر ضبط کالا به شرح زیر و مواد (۲۳) و (۲۴) مجازات می‌شود:

الف. در صورتی که ارزش کالا تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد، به جزای نقدی معادل دو تا سه برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

ب. در صورتی که ارزش کالا از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) تا یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد به جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

پ. در صورتی که ارزش کالا از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) تا یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد به بیش از شش ماه تا دو سال حبس و به جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

ت. در صورتی که ارزش کالا بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد به دو سال تا پنج سال حبس و به جزای نقدی معادل هفت تا ده برابر ارزش کالای ممنوع قاچاق

تبصره ۱- در صورتی که ارزش عرفی (تجاری) مشروبات الکلی مشمول بندهای (الف) و (ب) این ماده باشد مرتکب علاوه بر جریمه نقدی مقرر در این ماده به مجازات حبس از شش ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

تبصره ۲- وجوه حاصل از قاچاق کالای ممنوع، ضبط می‌شود.

تبصره ۳- آلات و ادواتی که جهت ساخت کالای ممنوع به منظور قاچاق یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضبط می‌شود. مواردی که استفاده کننده مالک نبوده و مالک عاقد آن را در اختیار مرتکب قرار نداده باشد، مشمول حکم این تبصره نمی‌باشد.

تبصره ۴- مشروبات الکلی، اموال تاریخی- فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیرمجاز، آلات و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن از مصادیق کالای ممنوع است. ساخت تجهیزات دریافت از ماهواره نیز مشمول مجازات‌ها و احکام مقرر برای این ماده می‌باشد.

قاچاق کالاهای ممنوعه در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است اما نگهداری، حمل، خرید یا فروش آنها در صلاحیت دادگاه کیفری دو است.

مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۱-۱۳۹۵/۵/۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: "هر چند تجهیزات دریافت از ماهواره طبق تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ از مصادیق کالای

ضمایم مصوبات جدید

حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰

ماده ۵۶- سقط جنین ممنوع بوده و از جرایم دارای جنبه عمومی می‌باشد و مطابق مواد (۷۱۶) تا (۷۲۰) قانون مجازات اسلامی و مواد این قانون، مستوجب مجازات دپه، حبس و ابطال پروانه پزشکی است.

مادر صرفاً در مواردی که احتمال بدهد شرایط زیر محقق می‌شود، می‌تواند درخواست سقط جنین را به مراکز پزشکی قانونی تقدیم نماید.

کلیه مراکز پزشکی قانونی در مراکز استان‌ها مکلفند درخواست‌های واصله را فوراً به کمیسیون سقط قانونی ارجاع نمایند. این کمیسیون مرکب از یک قاضی ویژه، یک پزشک متخصص متعهد و یک متخصص پزشک قانونی در استخدام سازمان پزشکی قانونی، حداکثر ظرف یک هفته تشکیل می‌شود. رأی لازم توسط قاضی عضو کمیسیون با رعایت اصل عدم جواز سقط در موارد تردید صادر می‌گردد.

قاضی عضو در کمیسیون مذکور با حصول اطمینان نسبت به یکی از موارد ذیل مجوز سقط قانونی را با اعتبار حداکثر پانزده روزه صادر می‌نماید:

الف- در صورتی که جان مادر به شکل جدی در خطر باشد و راه نجات مادر منحصر به سقط جنین بوده و سن جنین کمتر از چهار ماه باشد و نشانه‌ها و امارات ولوج روح در جنین نباشد،
ب- در مواردی که اگر جنین سقط نشود مادر و جنین هر دو فوت می‌کنند و راه نجات مادر منحصر در اسقاط جنین است؛

ج- چنانچه پس از اخذ اظهارات ولی، جمیع شرایط زیر احراز شود:

- رضایت مادر
- وجود حرج (مشقت شدید غیرقابل تحمل) برای مادر
- وجود قطعی ناهنجاری‌های جنینی غیرقابل درمان، در مواردی که حرج مربوط به بیماری یا نقص در جنین است
- فقدان امکان جبران و جایگزینی برای حرج مادر
- فقدان نشانه‌ها و امارات ولوج روح
- کمتر از چهار ماه بودن سن جنین^۱.

۱- با توجه به این قانون، ماده واحده قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ منسوخ گردیده و بخش‌های مرتبط با این مبحث، با قانون جدید منطبق می‌گردد.

تبصره ۱- رأی صادره ظرف یک هفته قابل اعتراض در شعبه یا شعب اختصاصی دادگاه تجدیدنظر، به ریاست قاضی یا قضات ویژه منصوب رئیس قوه قضائیه در این امر می‌باشد و دادگاه مذکور حداکثر باید ظرف یک هفته تصمیم خود را اعلام کند.

تبصره ۲- بیمارستان‌های مورد تأیید پزشکی قانونی موظفند در موارد مجاز سقط، منحصرأ پس از دستور قاضی و احراز عدم امارات و نشانه‌های ولوج روح، سقط جنین را اجرا کنند و اطلاعات مربوط را با رعایت اصول محرمانگی در پرونده الکترونیک سلامت بیمار و یا سامانه ماده (۵۴) این قانون ثبت و بارگذاری نمایند.

تبصره ۳- سازمان پزشکی قانونی اطلاعات مربوط به کلیه مراحل درخواست سقط تا نتیجه آن، اعم از دلایل درخواست دهنده، اعضای کمیسیون، صدور یا عدم صدور مجوز و دلیل صدور مجوز را با رعایت اصول محرمانگی، در پرونده الکترونیک سلامت بیمار و یا سامانه ماده (۵۴) این قانون ثبت و بارگذاری می‌کند و اطلاعات آن را هر سال در اختیار مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار می‌دهد.

تبصره ۴- چنانچه پزشک یا ماما یا داروفروش، خارج از مراحل این ماده وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به سقط جنین نمایند علاوه بر مجازات مقرر در ماده (۶۲۴) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، پروانه فعالیت ایشان ابطال می‌شود. تحقق این جرم نیازمند تکرار نیست.

ماده ۵۸- توزیع داروهای رایج در سقط جنین فقط برای عرضه مراکز درمانی بیمارستانی دارای مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در داروخانه‌های آن‌ها مجاز است. هرگونه خرید، فروش و پخش داروهای مذکور، خارج از سامانه ردیابی و رهگیری فرآورده‌های دارویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نگهداری و حمل این داروها بدون نسخه پزشک جرم است و مشمول مجازات‌های تعزیری درجه سه تا شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ می‌شود.

ماده ۶۰- فعالیت مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازی معرفی کننده افراد و مراکز مشارکت کننده در سقط غیرقانونی جنین ممنوع است و حسب مورد متخلفان از این حکم علاوه بر مجازات تعزیری درجه پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عوائد حاصل از ارتکاب جرم محکوم می‌شوند.

ماده ۶۱- ارتکاب گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی جنین به قصد نتیجه یا علم به تحقق آن، به گونه‌ای که موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی جنین‌ها یا مادران در حد وسیع گردد، مشمول حکم ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ می‌گردد.

تبصره ۱- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد ایراد خسارت عمده در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

تبصره ۲- هر کس به هر عنوان به طور گسترده دارو، مواد و وسایل سقط غیرقانونی جنین را فراهم و یا معاونت و مباشرت به سقط غیرقانونی جنین به طور وسیع نماید و یا در چرخه تجارت سقط جنین فعال و یا مؤثر باشد در صورتی که مشمول حکم این ماده نباشد، علاوه بر مجازات تعزیری درجه دو، به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عواید حاصل از ارتکاب جرم محکوم می‌گردد.

تبصره ۳- اموال و وسایل حاصل از ارتکاب جرم مصادره شده و عواید آن به همراه جزای نقدی دریافتی، به حساب خزانه واریز شده و پس از درج در بودجه سنواتی، در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار می‌گیرد تا در جهت درمان ناباروری هزینه گردد.

ماده ۷۱- مستنکفین از اجرای این قانون، علاوه بر جبران خسارات وارده و اعمال مجازات موضوع ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات حبس یا جزای نقدی درجه چهار یا پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- مقامات موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ چنانچه در اجرای احکام این قانون ناظر به وظایف خود اهمال یا ترک فعل یا ممانعت نمایند، علاوه بر مجازات صدر این ماده به پنج تا پانزده سال محرومیت از حقوق اجتماعی (موضوع ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ محکوم می‌شوند.

تبصره ۲- سازمان بازرسی کل کشور و نهادهای امنیتی در حوزه نظارتی خویش مکلفند مستنکفین از اجرای این قانون را شناسایی نموده و به مراجع قضایی معرفی نمایند. در اجرای این حکم مقام قضایی مکلف است نسبت به گزارش‌های واصله و شکوایه‌های مردمی رسیدگی کند.

تبصره ۳- دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مکلف به ارایه گزارش عملکرد شش ماهه به ستاد ملی جمعیت می‌باشند. ستاد ملی جمعیت موظف است گزارش شش ماهه خود را به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی ارایه دهد. دولت مکلف است از سال دوم اجرای این قانون، اعتبار مرتبط با موضوع جمعیت در دستگاه‌ها را به پیشنهاد ستاد ملی جمعیت بر اساس میزان عملکرد آن دستگاه‌ها در سال‌های قبل در لایحه بودجه سنواتی پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی درج نماید.

تبصره ۴- اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع ماده فوق علاوه بر مجازات صدر ماده به ابطال موقت پروانه فعالیت مرتبط با جرم بین سه تا پنج سال توسط دادگاه نیز محکوم خواهند شد.

تبصره ۵- رسیدگی قضایی موضوع این ماده مانع از رسیدگی دیوان عدالت اداری و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری نمی‌باشد.

طرح صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناکانون

طرح صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک^۱ (الحاق موادی به قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم تعزیرات)

ماده واحده: چهار ماده به شرح ذیل به عنوان ماده (۶۸۸ مکرر ۱)، (۶۸۸ مکرر ۲)، (۶۸۸ مکرر ۳) و (۶۸۸ مکرر ۴) به قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات) الحاق می گردد:

ماده ۶۸۸ مکرر ۱: واردات، تولید، تکثیر، پرورش، خرید و فروش، حمل و نقل و گردانیدن اعم از پیاده و یا با وسیله نقلیه و نگهداری حیوانات وحشی، نامتعارف، مضر و خطرناک، از قبیل: کروکودیل (تمساح)، لاک پشت، مار، سوسمار، گربه، موش، خرگوش، سگ و سایر حیوانات نجس العین و میمون ممنوع می باشد و هر یک از مرتکبین، به جزای نقدی معادل ۱۰ تا ۳۰ برابر حداقل حقوق کارگری (که سالانه توسط دولت و اتحادیه های مربوطه تعیین و اعلان می گردد) و نیز ضبط حیوان مربوطه محکوم می گردند.

تبصره ۱: هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مراکز و آزمایشگاه های تحقیقاتی، علمی، تخصصی، دارو و واکسن سازی دولتی و یا غیر دولتی دارای مجوز رسمی از دستگاه های ذیربط مانند وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، سازمان محیط زیست و سازمان دامپزشکی به تناسب مأموریت ها و نیازهای علمی و تحقیقاتی خود از شمول این قانون مستثنی می باشند و همچنین روستا نشینان، عشایر و گله داران، صرفاً در محدوده فعالیت و متناسب با نیازهای زندگی خود می توانند از سگ نگهبان استفاده نمایند. سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و متقاضی استفاده از حیوانات یاد شده، درخواست مکتوب خود را به دادستانی استان و یا شهرستان مربوطه جهت بررسی و اقدام مقتضی در کمیته مذکور در تبصره ۲ این ماده تقدیم می نمایند.

تبصره ۲- در راستای اجرای این قانون کمیته ای با مسئولیت دادستانی هر شهرستان و با عضویت نمایندگان ذیربط شهرداری، نیروی انتظامی، دانشگاه علوم پزشکی، (اداره بهداشت و درمان) سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان دامپزشکی، نماینده تام الاختیار فرماندار برای بررسی و تعیین تکلیف موارد ذیل تشکیل می گردد:

۱. بررسی در خواست اشخاص حقیقی و حقوقی یا متقاضی استفاده از حیوانات موضوع این قانون، تأیید یا رد ضرورت و لزوم استفاده متقاضی از حیوانات مورد تقاضا و صدور مجوز استفاده برای متقاضیانی که تقاضای آنان مورد تأیید قرار گرفته است.

۲، تعیین تکلیف در خصوص حیوانات ضبط شده و مصادره ای و یا حیوانات رها شده در سطح جامعه.

۱- این مصوبه، اکنون در قالب طرح بوده و سایر مراحل تأیید، امضا و ابلاغ را سپری ننموده و درج آن، صرفاً برای آشنایی با طرح مزبور است.

ماده ۶۸۸ مکرر ۲: اتحادیه صنف مشاورین املاک موظف است حداکثر ۳ ماه پس از ابلاغ رسمی این قانون، ممنوعیت نگهداری حیوانات موضوع این قانون را جهت اطلاع و رعایت موجرین و مستاجرین، در قراردادهای اجاره گنجانیده و ذکر نماید.

در صورتیکه هر یک از دفاتر مشاورین املاک، بعد از زمان مقرر یا دسده، این موضوع را رعایت نکنند، مستنکف از قانون تلقی و برای هر بار تکرار تخلف، به مجازات ذکر شده در ماده ۶۸۸ مکرر ۱ محکوم می شوند. تبصره: چنانچه موجرین در عقد قرارداد از قید ممنوعیت نگهداری حیوانات موضوع این قرارداد، در مورد اجاره خودداری نماید و مستاجرین مرتکب نگهداری حیوانات یا شده در ملک مورد اجاره شوند، هر یک از موجرین و مستاجرین متسقلا به جزای نقدی ذکر شده در ماده ۶۸۸ مکرر ۱ محکوم می شوند.

ماده ۶۸۸ مکرر ۳: چنانچه هر یک از شهروندان از نگهداری حیوانات موضوع این قانون توسط همسایگان، گزارش یا شکایت نمایند، دستگاه قضائی و نیروی انتظامی به عنوان ضابط قضائی، موظف به رسیدگی و اعمال این قانون می باشند و اگر فرد گزارشگر یا شاکی، خواستار عدم افشای هویت خویش باشد، دستگاه قضائی موظف است ضمن حفظ هویت فرد موصوف موضوع گزارش را بدون نیاز به پیگیری شاکی و گزارشگر، رسیدگی و مورد اعمال این قانون قرار دهد.

ماده ۶۸۸ مکرر ۴: در صورت حمل و گرداندن حیوانات موضوع این قانون با وسائل نقلیه، علاوه بر مجازات نقدی مالک یا حامل حیوان، راننده خودرو نیز به جزای نقدی تعیین شده در این قانون محکوم و خودروی مربوطه نیز علاوه بر جریمه توسط پلیس به مدت ۳ ماه توقیف می گردد.

طرح ماده واحده اصلاح مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی

طرح: ماده واحده اصلاح مواد ۷۰۵ تا ۷۱۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی^۱

ماده ۷۰۵: هر کس به هر نحوی اعم از رایانه‌ای یا غیر رایانه‌ای مرتکب قمار بازی یا شرط بندی شود یا در بخت آزمایی شرکت نماید، علاوه بر ضبط اموال حاصل از جرم، به جزای نقدی درجه ۶ یا جزای نقدی معادل ارزش عواید مذکور هر کدام بیشتر باشد محکوم می‌شود.

تبصره ۱: قمار عبارت است از هر نوع بازی با هر وسیله‌ای که طبق قواعد ویژه آن بازی، بازنده یا بازندگان ملزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برنده یا بازندگان باشد.

تبصره ۲: شرط بندی عبارت است از هر نوع توافق میان دو یا چند شخص در خصوص پیش بینی وقوع امری خاص، که بازنده یا بازندگان ملزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برنده یا بازندگان باشد. منظور از برنده شخصی است که پیش بینی او در باره واقعه خاص محقق شده باشد. شرط بندی بین اشخاص شرکت کننده در مسابقات سوار کاری، تیراندازی و شمشیر بازی بر روی نتایج آن مسابقات مشمول مجازات این ماده نیست.

تبصره ۳: بخت آزمایی عبارت است از هر نوع توافق میان دو یا چند شخص در خصوص انجام قرعه کشی یا هر اقدام مبتنی بر شانس یا انتخاب تصادفی که در نتیجه آن کل یا بخشی از وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی پرداخت شده یا در تعهد پرداخت قرار گرفته شرکت کنندگان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به یک یا چند نفر از شرکت کنندگان که بر مبنای قواعد آن بخت آزمایی برنده محسوب می‌شوند، پرداخت شود.

تبصره ۴: چنانچه اقدامات موضوع این ماده تحت پوشش امور خیریه یا خدماتی یا فروش کالا و امثال آن صورت پذیرد به گونه‌ای که اقدامات پوششی انجام شده عرفاً مقصود اصلی برگزار کننده یا غالب شرکت کنندگان نباشد، مرتکب به مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۵: مرتکب در مواردی که عواید حاصل از جرم وی کمتر از جزای نقدی درجه ۶ باشد، می‌تواند برای یک بار از طریق همکاری مؤثر با مراجع قضایی و انتظامی، از تخفیف مجازات، معافیت کیفر یا بایگانی پرونده برخوردار شود.

تبصره ۶: هرگاه اقدامات فوق به عنوان حرفه یا سردستگی یک گروه مجرمانه سازمان یافته باشد، مرتکب علاوه بر ضبط عواید حاصل از قمار، شرط بندی یا بخت آزمایی به حبس درجه ۶ و جزای نقدی درجه ۵ یا معادل دو برابر ارزش عواید مذکور، هر کدام بیشتر باشد محکوم می‌شود.

۱- این مصوبه، اکنون در قالب طرح بوده و سایر مراحل تأیید، امضا و ابلاغ را سپری ننموده و درج آن، صرفاً برای آشنایی با طرح مزبور است.

ماده ۷۰۶: هر کس اقدام به دایر یا اداره کردن مکان یا هر نوع سامانه رایانه‌ای برای قمار یا شرط بندی یا برگزاری بخت آزمایی نماید به حبس و جزای نقدی درجه ۵ محکوم خواهد شد و چنانچه برای این کار یا از این طریق وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی به دست آورده باشد، علاوه بر مجازات فوق و ضبط مال، به جزای نقدی معادل دو برابر عواید مذکور نیز محکوم خواهد شد.

تبصره: هر کس اقدامات فوق را به عنوان حرفه یا سر رشته یک گروه مجرمانه سازمان یافته انجام داده باشد یا ارزش یا اعتبار وجه، اموال، اسناد، حوالجات، قبوض، اوراق بهادار، مفاسد حساب یا وسایل پرداخت مثل چک یا کارت‌های بانکی که در اثر ارتکاب اعمال فوق دریافت یا نگهداری کرده است بیش از ده میلیارد ریال باشد، در صورتی که رفتار او مشمول عنوان افساد فی الارض یا اخلال در نظام اقتصادی نباشد، علاوه بر ضبط اموال ناشی از جرم، به حبس درجه ۴ و جزای نقدی معادل دو برابر ارزش اموال مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۷۰۷: هر کس اقدام به تولید، معامله، حمل یا نگهداری، در معرض فروش قرار دادن یا ارائه ابزار قمار به دیگری نماید به جزای نقدی درجه ۶ یا جزای نقدی معادل ارزش عواید مذکور هر کدام بیشتر باشد محکوم می‌شود.

تبصره ۱: وارد کردن آلات و وسایل مخصوص قمار به کشور مشمول حکم قاچاق کالا می‌باشد.
تبصره ۲: در تمامی موارد مذکور در مواد فوق، ابزار قمار و ابزاری که منحصر برای شرط بندی یا بخت آزمایی به کار می‌رود معدوم خواهد شد، مگر آنکه منفعت مشروعی داشته باشد که در این صورت ضبط خواهد شد.

ماده ۷۰۸: هر کس قمار بازی، شرط بندی یا بخت آزمایی را تبلیغ یا ترویج یا اشخاص را به هر نحوی به شرکت در این اقدامات تشویق یا دعوت نماید، به حبس و جزای نقدی درجه ۷ محکوم خواهد شد و چنانچه برای این کار یا از این طریق وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی به دست آورده باشد، علاوه بر مجازات فوق و ضبط عواید حاصل از جرم به جزای نقدی معادل دو برابر عواید مذکور محکوم خواهد شد.

تبصره: هر کس در قمارخانه قبول خدمت کند یا به نحوی از انحاء با دایر کننده یا اداره کننده آن کمک نماید یا با انجام اقداماتی از قبیل ساخت، طراحی نگهداری، پشتیبانی یا راه اندازی هر نوع پایگاه یا سامانه در تأسیس، اداره یا دایر کردن قمارخانه، مرکز شرط بندی و بخت آزمایی مساعدت و همکاری نماید به حبس یا جزای نقدی درجه ۶ محکوم می‌شود.

ماده ۷۰۹: هر گاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیت دار از وقوع جرایم موضوع مواد ۷۰۴ تا ۷۰۸ مطلع شود و مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهد یا برخلاف واقع گزارش کند، جز در مواردی که رفتار وی مشمول عنوان ارتشاء است، علاوه بر انفصال موقت از شش ماه تا دو سال به حبس یا جزای نقدی درجه ۶ محکوم می‌شود.

ماده ۷۱۰: هر یک از ارایه دهندگان خدمات ارتباطی با خدمات پرداخت یا عملیات بانکداری الکترونیکی که از وقوع جرایم فوق در بستر خدمات ارایه شده از سوی آنها مطلع شوند مکلفند مراتب را فوراً به مراجع

قضایی اطلاع دهند، در غیر این صورت علاوه بر ضبط عواید ناشی از جرم به جزای نقدی درجه ۳ و در صورت تکرار به جزای نقدی درجه ۲ و در مرتبه سوم به تعطیلی از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.

ماده ۷۱۱: جرایم موضوع تبصره ۶ ماده ۷۰۵ و ماده ۷۰۶ جرایم اقتصادی محسوب می‌شوند و دادگاه با توجه به نوع جرم ارتكابی مرتکبان را برای بار نخست به شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به مدت ۲ تا ۵ سال از یک یا چند خدمت ارتباطی و فناوری اطلاعات، از قبیل اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری، خدمات پرداخت، خدمات بانکداری الکترونیکی، داشتن دسته چک یا اصدار اسناد تجارتي محروم می‌کند. قاضی اجرای احکام مکلف است مطابق حکم دادگاه فهرست این اشخاص را برای ابلاغ به ارایه دهندگان خدمات مذکور، از قبیل بانک مرکزی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مرکز ثبت نام دامنه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت صنعت، معدن و تجارت ارایه کند. عدم اجرای حکم مذکور، حسب مورد مستوجب مجازات مقرر در مواد ۷۱۰ یا ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات خواهد بود.